

تا زمان سلطان حسین بایقرا در شمار شعرای نامی بوده است و در زمان سلطان حسین قدیمترین شاعر خراسان بشمار میرفته است و همه بزرگان زمان خود را مدح و مرثیه گفته است و در ضمن شاعر هزالی بوده و بیش از صد سال عمر کرده و سرانجام در ۹۰۵ در گذشته است و گذشته از شاعری در حکمت نیز دست داشته و شرحی بر کتاب حکمة العین نوشته است .

#### ۹ - شهابالدین علی ترشیزی متخلص بطوطی نیز از شاعران نامی قرن نهم

در زمان ابوالقاسم بابر میرزا بوده و از پزشکان معروف زمان خود بشمار میرفته و در هرات میزیسته و در همانجا در ۸۶۷ در گذشته است و وی قصیده را خوب میگفته و مردی ظریف و خوش منظر بوده است .

#### ۱۰ - لطفی هروی نیز از شاعران نامی این قرن بوده و پس از کسب دانش

وارد حلقه تصوف شده و از مریدان شیخ شهابالدین خیابانی بوده و مردم نیز بوی اعتقاد داشتند چنانکه علشیر نوایی گوید که برای وی فاتحه ای خوانده است و همه فتوحاتی که ویرا فراهم شده از آن فاتحه بوده است و در شاعری نیز جزو مشاهیر عصر بود چنانکه در دم مرگ مطلع غزلی ساخته که مجال نکرده است بیایان رساند و جامی آنرا تمام کرده است و سرانجام در ۹۹۹ سالگی پیش از ۸۹۶ که تاریخ تألیف مجالس النفایس امیر علشیرست در گذشته و در خانه ای که در کنار بیرون شهر هرات داشته است بخاکش سپرده اند . وی در زبان ترکی یکی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته چنانکه همه قصاید مشکل استادان پیش را جواب گفته و ظفرنامه شرفالدین علی یزدی را نظم کرده و ده هزار شعر گفته ولی پاک نویس نکرده و ظاهراً از میان رفته است .

#### ۱۱ - مولانا سراج الدین بساطی سمرقندی نیز از شاعران نامی قرن نهم

بوده و در سمرقند معاصر سلطان خلیل بن امیرانشاه گورکان و نخست حصیر باف بوده و بهمین جهت در آغاز حصیری تخلص میکرده است و خواجه عصمت الله بخاری شاعر معروف چون او را دید گفت حصیری قابل بساط بزرگان نیست و او را تخلص بساطی داد و وی

در شعر پیر و سبک عصمة بوده و سبک کمال خجندی را افکار میکرده است و شبنی مغنیان در مجلس سلطان خلیل مطلعی از غزلیات او را خواندند و سلطان خلیل را خوش آمد و در پی او فرستاد و هزار دینار باو بخشید.

۱۲ - **خواجه فخرالدین عصمت‌الله بن مسعود بخاری** نیز از شاعران نامی و از خاندان معروف بوده و نسبت به جعفر بن ابیطالب میرسیده و از اعیان خواجه حافظ کلان بوده و خواجه مسعود پدرش در بخارا احترام بسیار داشته و وی در شاعری معروف شده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و مرد دانشمندی بوده و تاریخ و ریاضیات را خوب میدانست و نخست مداح نصیرالدین سلطان خلیل بود و بهمین جهت نصیری تخلص میکرد و سلطان خلیل هم ویرا بسیار محترم میشد و همیشه همشین او بوده است تا بجاییکه بدخواهان میپنداشته‌اند که نسبت به سلطان خلیل نظری داشته و سلطان در شعر شاگرد او بوده است و وی در زمان شاهرخ از شعرای نامی بوده است و در زمان الغ بیک از شاعری چشم پوشید و الغ بیک اصرار کرد تا چند قصیده بمدح او گفت و پس از آن شاعری توبه کرد و همواره مجلس او مجمع شعرا و دانشمندان بود مانند بساطی سمرقندی و خیالی بخاری و برندق و خواجه رستم خوریانی و طاهر ابیوردی و پس انجام در زمان الغ بیک در ۸۲۹ در گذشت و در شعر پیر و سبک خسرو دهاوی بوده دیوانش بیست هزار شعر دارد و قصاید او در مدح سلطان خلیل و سلطان ابراهیم و لغ بیکست.

۱۳ - **شیخ جمال الدین ابواسحاق احمد حلاج شیرازی** معروف بشیخ اطعمه یا بسحق اطعمه و یا احمد اطعمه از بزرگان شعرای زمان و از معاریف شیراز بوده و همیشه با بزرگان شهر حشر داشته و از ندیمان اسکندریین عمر شیخ کورگان بوده و ظاهراً پیشه او حلاجی بوده چنانکه گویند چندی نزد میرزا اسکندر رفت و پس از چند روز که نزد او رفت پرسید درین چند روز کجا بودی گفت یکروز حلاجی میکنم و سه روز پنبه از ریش بر می‌چینم و وی ریش بسیار درازی داشته و سر انجام در ۸۳۰ یا ۸۳۷ در گذشته است و مزار او اینک در تکیه چهل تنان شیراز معروفست.

سحق اطعمه مبتکر سبکیست در شعر فارسی که گفتار شعرای پیشین را تغییر داده و در آنها اسامی خوراکیها و طعامها را آورده است و بنظم و نثر نیز لطایفی درین زمینه دارد و مجموعه آثار وی درین زمینه شامل دیوان اطعمه و مناظره الاطعمه اوست.

۱۴ - **مولانا بهاء الدین برندق بخاری متخلص بنفدی می** نیز از مشاهیر شعرای زمان خود و مردی خوش طبع و هزال بوده و اقسام دیگر شعر را هم خوب می گفته و مداح و تربیت یافته بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور بوده و در بخارا و سمرقند با اوزبسته و سپس با وی بخراسان و عراق آمده و زبان تند داشته و مردم از زبان او هراسان بوده اند و در زمانیکه بایقرا در بلخ بیادشاهی نشست در صله مدحی که گفته بود دستور داد پانصد دینار باو بدهند و پروانچی دو بست دینار نوشت و وی قطعه ای هزل آمیز گفت و میرزا بایقرا خندید و هزار دینار دیگر باو داد.

۱۵ - **خواجه نظام الدین رستم خوریانی** نیز از شعرای نامی و از مردم خوریان روستایی در خاک بسطام و مردی خوش طبع بود و عملداری می کرد و آنچه از عملداری بدست می آورد شب بخوش گذرانی صرف می کرد و در زمانیکه خواجه حافظ رازی وزیر عمر بن امیرانشاه بن تیمور بود پیشکار آن وزیر بود و وی عمل دهستان را باو سپرد و او با ببری در آنجا عیاشی میکرد و در قصیده و غزل دست داشته و دیوان او معروف بوده و در ۸۳۴ در گذشته است.

۱۶ - **مولانا بدر شروانی** از مشاهیر شعرای آذربایجان بوده و در شروان می زیسته و معروفترین شاعر دیار خود بوده است و در زمانیکه کاتبی بشروان رفته است با او مشاعر کرده و برخی در شاعری او را از کاتبی بالاتر می دانسته اند.

۱۷ - **مولانا علی در دزد استرآبادی** نیز از شعرای نامی آن زمان بوده و در ساری و آمل و کیلان شهرت بسیار داشته است و در طاعون سال ۸۴۰ زن او در گذشته و او را مرثیت گفته و ازینجا پیداست که تا آن زمان زنده بوده

۱۸ - **پهلوان شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری** ترشیزی یکی

از معروفترین شعرای زمان خود بود و در دوستای طرق و راوش در میان خاك ترشیزو خاك نیشابور ولادت یافته و بهمین جهت هم ترشیزی و هم نیشابوری معروف بوده است و نخست نیشابور رفته و شاگرد سیمی نیشابوری شاعر و خوشنویس معروف آن زمان بوده است و چون در خطاطی ترقی کرد تخلص خود را کاتبی گذاشت و چون در خط و شاعری زود ترقی کرده سیمی برورشك می برد و وی بهمان جهت بهرات رفت و قصیده‌ای بر دینف نرکس در مدح بایسنقر بسبك کمال الدین اسمعیل سرود و پس از چندی از آنجا باستراباد و کیلان و آذربایجان و شروان رفت و قصیده‌ای بر دینف گل در مدح شیخ ابراهیم پادشاه شروان گفت و ده هزار دینار شروانی صلت گرفت و وی آن پول را در کارونسرای شماخی در یکماه خرج کرد و بشاعران و نظریغان و درویشان بخشید چنانکه چند روز بعد بیک من آرد محتاج بود و سرانجام از آنجا باذربایجان رفت و قصیده‌ای در ستایش اسکندر بن قرا یوسف گفت و چون قدر شعرش را نشناخت قطعه‌ای در هجای او گفت و از تبریز باصفهان رفت و در حلقه مریدان صابن الدین ترکه در آمد و کتابهای تصوف را پیش او خواند و پس از آن روی از جهان در کشید و اجازت گرفت و بکیلان رفت و از آنجا بطبرستان و استرآباد رفت و چندی در آن جا ماند و با دانشمندان شهر مشهور بود و در آن زمان باستقبال خمسة نظامی آغاز کرد و مرگ او را مجال نداد که بیایان رساند و در وبای عام سال ۸۳۹ در آن شهر در گذشت و در بقعه نه گوران او را بخاك سپردند. کاتبی از بزرگان شعرای زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و گذشته از دیوان او که سه هزار بیت دارد آثار دیگر او بدین گونه است: کلشن ابرار در برابر مخزن الاسرار، مجمع البحرین یا ناظر و منظور، ده باب بتقلید بوستان سعدی، سی نامه یا محب و محبوب، دلبای، بهرام و گلندام، مثنوی حسن و عشق، ده نامه، حسن و گل، تجنیسات یا یا ده باب تجنیسات، کاتبی در ضمن ورزشکار هم بوده و بهمین جهت بیهلوان معروف بوده است.

خود بود و مردی محترم بشمار می رفت و با آندری مشاعره و مناظره داشت و بیشتر مداح محمد نجوکی میرزا بود و سفری با او بقندهار رفته و ساکن هرات بوده و مخصوصاً در قصیده سرایی دست داشته است.

۲۰ - مولانا سیمی نیشابوری نیز از شعرای نامی قرن نهم بود و از خوشنویسان مشهور زمان خود بشمار میرفت و در هر شش قلم دست داشت و در انشاء و ترسل و شعر و معما و نقاشی و ساختن کاغذ و مرکب و تذهیب نیز استاد بود و در ضمن مکتب دار و ادیب بود و نخست در نیشابور میزیست و سپس بمشهد رفت و چند تن از خوشنویسان زمان از آن جمله کاتبی شاعر معروف و مولانا عبدالحی خوشنویس از شاگردان وی بودند و وی از اقسام شعر تنها مطلع غزل و معما میگفت و در زمان میرزا علاءالدوله در مشهد در يك شبانروز سه هزار بیت گفت و بخط خوش نوشت و درین مدت در میان معرکه ای بود که مردم گرد آمده و دهل و نقاره میزدند و درین ضمن حتی بقضای حاجت برخاست و این ابیات شامل سه حکایت بوده و در میان آنها ابیات مصنوع هم بوده است و نیز در باره او نوشته اند که در شبانروز دوازده من طعام و میوه میخورد.

۲۱ - مولانا محمد یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری نیز از بزرگان شعرای این زمان بود و مردی دانشمند بشمار میرفت و در بیشتر از علوم دست داشت و در زمان شاهرخ از مشاهیر عصر خود بود و مخصوصاً در شعر و خط معروف بود و در ضمن مردی قانع و از ملازمت مردم گریزان بود و سرانجام در ۸۵۲ در گذشته است و وی بنظم و نثر آثار چند دارد از آن جمله: تعبیر نامه منظوم، منظومه دستور عشاق معروف بحسن و دل که در ۸۴۰ پایان رسانده، شبستان نکات و گاستان لغات که در ۸۴۳ تألیف کرده است، کتاب اسرازی و خماری شامل اشعاری در اسامی اغذیه که از شعرای سلف تضمین کرده، شبستان خیال نظم و نثر، انشاء المصنوعه، روضه بوستان، خماریات، رساله البسه، اسرار نامه، و بجزین چند دهنامه نظم کرده و دیوان اشعار او نیز بدست است.

۲۲ - کمال الدین حمین بن غیاث الدین محمد شیرازی فارسی معروف بکمال غیاث یا ابن غیاث یا ابن غیاث الدین از شعرای نامی فارس در قرن نهم بوده

و بقصه خوان معروف بوده است و با ابراهیم سلطان تیموری معاصر بوده و مردی خوش سخن و لطیف منظر بود و در شهر شیراز در میدان سعادت در وقت نماز دیگر بساط میفکند و بسخن کوی و بناقب خوانی مشغول میشد و ادویه میفروخت و از کتاب جاماسب نامه و احکام سخن میگفت و مردم باو معتقد بودند و هر روز ازین رهگذر مبلغی در آمد داشت و در ضمن از ورزشکاران و کشتی گیران زمان خود بود و در مناقب ائمه قصاید غرا میسروده است ولی با اینهمه تعصب نمیورزید و در ضمن مردی صوفی مشرب بود و اشعار عارفانه ازو مانده است و سرانجام در ۸۴۸ در گذشته و آنچه ازو مانده برخی غزلیات و قصایدیست که در مناقب ائمه و بمشرب عرفا سروده است و نیز منظومه‌ای بنام تشریح البدن گفته و ازینجا پیدا است که طبیب ماهر نیز بوده است.

۲۳ - مولانا بدخشی از جمله شعرای نامی ماوراءالنهر در قرن نهم بوده و در زمان الغ بیک در شهر سمرقند میزیسته است و پادشاه و بزرگان زمان او را در شاعری بر دیگران مقدم می‌شمردند و قصاید غرا در مدح الغ بیک سروده است و دیوان وی در ماوراءالنهر معروف بوده است.

۲۴ - مولانا احمد بن موسی خیالی بخاری نیز از شعرای نامی ماوراءالنهر و معاصر الغ بیک بود و چندی هم در هرات زیسته است و در شعر از شاگردان عصمت بخاری بشمار میرفته است و غزل را نیکو میسروده و دیوان غزلیات او در دو هزار بیت بدست است و نیز حاشیه‌ای بر تجرید الکلام نوشته و در ۸۷۰ در گذشته است.

۲۵ - مولانا سوذایی ایوردی معروف بیابا سوذایی از مردم ایورد در خاک خاوران بوده و بهمین جهت در آغاز خاوری تخلص میکرده و در ایورد دهی داشته بنام سنگان و همیشه در آنجا میزیسته است و مردی عارف مشرب و وارسته بود و با شاهرخ و با یسنغر معاصر بود و اشعاری در مدح ایشان سروده است و در نزد هر دو محترم بوده و عاقبت در همان روستای سنگان در ۸۵۳ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و درین موقع سن او بیش از ۸۰ بود. وی از شاعران صوفی مشرب بود و قصیده و غزل را خوب میگفت و مخصوصاً غزل او همهجا با افکار عارفانه آمیخته است و اشعاری هم در

مناقب ائمه سروده است .

۲۶ - مولانا طالب جاجرمی نیز از معاریف شعرای قرن نهم و از کدخدازادگان

جاجرم بود و در جوانی بفارس رفت و در شیراز شهرت یافت و بدستگاه عبدالله بن ابراهیم سلطان پیوست و مثنوی گوی و چوگان را بنام او سروده و از وصله و نوازش یافت و وی در شاعری شاگرد آزدی و مردی شیرین سخن و معاشر بود و صلاتی را که میگرفت باندک زمان از دست میداد و سی سال در شیراز ماند و در ۸۵۴ در گذشت و نزدیک مزار حافظ در مصلی او را بخاک سپردند و بجز مثنوی گوی و چوگان دیوان غزلیات او نیز معروفست .

۲۷ - امیر آق ملک بن جمال الدین فیروز کوهی شاهی سبزواری

یکی از بهترین غزل سرایان قرن نهم بود . اجدادش از امیران سربداری بودند و وی خواهر زاده خواجه علی مؤید از امرای این سلسله بوده و در زمان شاهرخ میرزا که این سلسله منقرض شد وی بخدمت بایسنغر میرزا پیوست و املاکش را که در انقراض سربداریان ضبط کرده بودند بوی پس دادند و ندیم خاص بایسنغر شد و با او بهرات رفت و در همان میان پس از چندی از خدمت وی اعراض کرد و بگوشه نشینی رفت و از حاصل مختصر ملکی که در سبزوارد داشت زندگی میکرد و در همانجا روزگار میگذراند و در زمان خود بسیار محترم بود و نیز مردی هنرمند بود چنانکه خوشنویس و نقاش زبردست بود و در موسیقی هم دست داشت و عود را خوب میزد و در معاشرت نیز معروف بود . سرانجام در زمان بابر میرزا که برای نقاشی کوشک گل افشان او را باسترآباد برده بودند در آنجا بسال ۸۵۷ در گذشت و سن او بیش از ۷۰ بود و جنازه او را از استرآباد بسبزواری بردند و در بیرون شهر در خانقاهی که سر راه نیشابور پندانش ساخته بودند و مرقدشان در آنجا بود بخاک سپردند . امیر شاهی یکی از بزرگترین غزل سرایان قرن نهم ایران بود و غزلیات عاشقانه بسیار خوب سروده است و دیوان غزلیات او نزدیک به هزار بیتست که خود از ۱۲ هزار شعر خویش انتخاب کرده است .

۲۸ - مولانا تاج الدین حسن بن علی سلیمی تونی سبزواری نیز از مشاهیر

شعرای قرن نهم بوده و مردی سلیم و نیکو نهاد بشعار میرفته و شاعری زبردست بوده و

در مدح ائمه قضاید غرا سروده است و مخصوصاً ولایت نامهای او معروفست و وی از مردم تون و ساکن سبزوار بوده و در آغاز کار عمل داری میکرد و روزی براتی بیجا بر بیوه زنی بنوشت، آن زن نزد او رفت و گفت: این برات تا موجه بحکم که بر من نوشته‌ای؟ گفت: بحکم سید فخرالدین وزیر، گفت: اگر روز رستاخیز دامت بگیریم و تو گویی که بحکم سید فخرالدین ظلم کرده‌ام خدا از تومی پذیرد؟ این سخن دردی در نهاد او افکند و قلم و دوات را زیر سنگ گذاشت و شکست و توبه کرد که گرد حرام خواری و عمل داری نکرد و از آن پس جزو صالحان و درویشان بود و بحج و زیارت اماکن مقدس رفت و سرانجام هنگامی که عازم مشهد بود در ولایت جهان وارغیان در ۸۵۴ در گذشت و جسد او را بسبزوار بردند و در آنجا بنخاک سپردند. سلیمی شاعر توانایی بوده و برخی قضاید او باقی مانده از آن جمله قصیده‌ایست که در راه مشهد در ۲۷ رجب ۸۴۷ سروده است و بتقلید قصیده حسن کاشیست.

### ۲۹ - محمد بن حمام الدین خواری قهستانی معروف بابن حمام از معاریف

شاعران قرن نهم و مردی بسیار زاهد از مردم قهستان بوده و در قصبه خوسف در قهستان میزیسته و دهقانی میکرده و از آن راه گذران خود را اداره میکرده است و هر روز که بکشت زار میرفته از بامداد تا شام اشعاری را که می سروده بردسته بیل می نوشته و در ضمن از اصحاب صدرالدین محمد رواسی بوده و سرانجام در ربیع الاخر ۸۷۵ در همان قصبه در گذشته و اینک قبر او در روستای خوسف در قاین در کنار رودی و در میان دشت با صفایی معروفست. وی را دیوان قضایدیست در ستایش ائمه که در آن استادی او آشکارست و نیز مثنوی خاوران نامه را بیحرف و مقارب در شرح غزوات علی بن ابیطالب سروده و در ۸۳۰ پایان رسانده و بنام خاورنامه نیز معروفست و شعر عربی را نیز نیکو میسروده است.

### ۳۰ - مولانا محمود عارفی هروی نیز از شاعران نامی قرن نهم بوده و در

حدود سال ۷۹۱ ولادت یافته است و مدایح پادشاهان و امرای زمان خود را بسیار گفته اما بیشتر اختصاص داشته است بمدح خواجه پیر احمد بن اسحاق و از شاعران نامی زمان شاعر رخ بوده و در ضمن مردی عماد و یار سا بوده و بهمین جهت سلمان ثانی معروف



بوده است و در ضمن در طریقه حنفی تعصب داشته و در هرات بسال ۸۵۳ در گذشته است عارفی شاعر زبردستی بوده و در غزل و مثنوی مهارت داشته و گذشته از دیوان غزلیات آثار دیگری از او مانده است از آن جمله کوی و چو کان یا حالنامه که در ۸۴۲ پیایز رسانده و شامل ۸۰۰ بیت است که ۱۵ روزه سروده است ، منظومه‌ای در فقه حنفی شامل مالا بد مذهب امام ابوحنیفه ، ده نامه بنام خواجه پیر احمد بن اسحاق .

۳۱ - **مولانا جنونی اند خودی** نیز از شعرای نامی زمان خود و اصلاً از مردان خود بوده ولی در هرات میزیسته است و از مردان ظریف و خوش طبع زمان خود بشمار میرفته و امرای زمان و مردم روزگار با او اقبالی داشته‌اند و مخصوصاً امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه بدو معتقد بوده و وی بهزل بیشتر مایل بوده و با حافظ تربتی مهاجرات رکیک داشته و غزل را هم نیکو میسروده است .

۳۲ - **مولانا ضیاء الدین یوسف امیری بدخشالی** نیز از شعرای نامی زمان خود در ماوراء النهر و معاصر شاهرخ بود و همواره بعزت میزیسته و امرای و ارکان دولت او را محترم میداشته‌اند و قصاید غرا در مدح شاهرخ و فرزندان او از آن جمله بایسنغر سروده است ولی تخصص او در شعر ترکی بوده و پیش از ۸۹۶ که زمان تألیف مجالس النقایس باشد در بدخشان در گذشته و در ارهنگک و سر در خاک بدخشان او را بخاک سپردند .

۳۳ - **خواجه فخر الدین اوحید مستوفی سبزواری** از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و مخصوصاً در احکام نجوم و شعر و خط و استیفا و انشا و طب و تاریخ معروف بود و از اعیان سبزوار بود و خاندان او که بخاندان مستوفیان معروف بودند از مشاهیر آن شهر بشمار میرفتند و با اینهمه مردی درویش مسلک بود و با ظریفان معاشرت داشت و اوقات را بمباحث علمی میگذراند و هزار مجلد کتاب عربی و فارسی گرد آورده و آنها را بخط خود اصلاح کرده بود و امرای اطراف برای او هدایایی میفرستادند و او همه آنها را با مردم صرف میکرد و همیشه خانه او مجمع دانشمندان بود و سرانجام در ۸۱ سالگی بسال ۸۶۸ در گذشت و چون مجرد بود از وی فرزند نماند ، اما مولانا غیاث الدین محمد سبزواری که از دانشمندان زمان و از خویشاوندان وی بود در خانه او

همان زندگی را دنبال کرد. خواجه اوحد شاعر زبردستی بوده و در سرودن قصیده دست داشته و قصاید غرا در مدایح ائمه گفته است و در ضمن از شعرای مداح سلطان حسین بایقرا و میر علیشیر بشمار میرفته است.

۳۴ - **امیر امین الدین نزلابادی** نیز از شعرای قرن نهم و از مردم نزلاباد در خاک بیهق و مردی ظریف و خوش طبع بود و در شاعری با خواجه علی شهاب و کاتبی رقابت داشت و در قصیده و غزل و مخصوصاً مثنوی زبردست بود و چند مثنوی سروده است از آن جمله شمع و پروانه بنام مصباح القلوب و عقل و عشق بنام سلوة الطالبین و مثنوی فتح و فتوح و در شعر امین تخلص میکرده است.

۳۵ - **درویش قاسمی تونی** هم از شاعران نامی این قرن و شاعری شیرین سخن و وارسته بوده و همیشه در سفر بود و گرد مناصب نمیگشت و در بند شهرت نبود و در تون میزیست و غزل را نیکو میسروده است.

۳۶ - **صاحب شریفی بلخی** نیز از شاعران نامی زمان خود بوده و مردی دانشمند بشمار میرفت و در موسیقی و طب و جز آن دست داشت و در زمان سلطان ابوسعید میزیست و مداح پادشاهان بدخشان و سادات ترمذ و از آن جمله امیر سید علی اکبر ترمذی بود و شریفی تخلص میکرد و قصیده و غزل را نیکو میگفت و در ۸۶۰ درگذشت.

۳۷ - **خواجه منصور قرا بوقه طوسی** از شاعران نامی زمان خود و مردی خوش طبع بود و غزل را نیکو میگفت و در زمان شاهرخ ملازم علاءالدوله بود و از جانب او بعمل داری ولایات بزرگ میرفت و از اعیان طوس بود و همیشه از شاعران و ظریفان نگهداری میکرد و در ضمن مردی بدسرشت بود و پس از مرگ شاهرخ صاحب دیوان امیر محمد خدایداد شد و اختیار بسیار بهمزد. پس از چندی امیر محمد خدایداد بر و خشم آورد و او را در بند افگند و مصادره کرد و وی در زندان بیمار شد و رو بمرگ رفت و در دم مرگ بیتی برای امیر محمد فرستاد و وی بر سر بالین او رفت و عذرخواست اما فردای آنروز در سال ۸۵۴ درگذشت و وی در غزل دست داشت.

۳۸ - **مولانا عبدالله طوسی** نیز از شاعران غزلسرای معروف این زمان بوده

و در زمان بابر سلطان مشهور شد و آن پادشاه او را می نواخت و پس از مرگ او با آذربایجان و از آنجا بعراق آمد و امیر جهان شاه و پیر بوداق از او دستگیری کردند و مدتی مدیدترین نواحی بود و از آنجا بشیراز رفت و سرانجام در آن شهر در زمان سلطان حسین بایقرا بسال ۸۶۹ در گذشت و عمر او بصد رسیدگی بود. طوسی از غزل سرایان نامی زمان خود بوده و در غزلیات خود امثال بسیار بکار میبرد به همین جهت شعرش بسیار پسندیده بوده است و در ضمن مردی خوش طبع و خوش معاشرت بوده و بجز شزل چیز دیگری گفته و دیوان غزلیات او شامل هزار بیت بخطا یکبار در بمبئی و بار دیگر در طهران بنام خواجه نصیرالدین طوسی چاپ شده است.

۳۹ - **امیر شرف الدین رضا سبزواری** از مردم سبزواری و از خاندان معروف سادات عریضی بود و در زمان سربداریان و مخصوصاً در زمان حکمرانی خواجه علی مؤید پدران او وزارت داشته اند و خود در زمان شاهرخ در سبزواری مأموریت دیوانی داشته و بر همه کس مقدم بوده است و پس از آن بهرات رفت و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر سلطان حسین بایقرا تقصیری کرد و چندی در بند ماند و سرانجام در زمان حکمرانی امیر بابا حسن قوچین که موکلان او مبلغی از وی مطالبه می کردند بر دست آنها در ۸۵۶ کشته شد. شرف الدین رضا شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده است.

۴۰ - **حافظ حلوائی** نیز از معاریف شعرای زمان شاهرخ بوده و غزل را نیکو میسروده و حافظ حلوائی تخلص میکرده است.

۴۱ - **مولا ناقبری نیشابوری** نیز از شاعران نامی این قرن و مردی عامی بوده اما در شاعری دست داشته و قصیده را نیکو میسروده است و قصاید بزرگان شعر را استقبال میکرده و مداح سلطان بابر بوده و در پایان زندگی چندی در مشهد و چندی هم در هرات ساکن بوده و پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در گذشته و در نیشابور او را بخاک سپردند.

۴۲ - **مولا ناظر بخاری معروف بشیخ زاده** هم از شاعران نامی این زمان

بوده و در زمان سلطان بابر بهرات رفته و با دانشمندان آن شهر محشور شده و مردی خوش طبع بوده و شعر و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده چنانکه وقتی غزلی گفته بود که بسیار پسندیده افتاد و بیشتر شاعران آن استقبال کردند و سرانجام در ۸۶۹ در گذشته است.

۴۳- **طاهری ایوردی** نیز از شعرای نامی خراسان در قرن نهم و در زمان سلطان بایسنغر بوده و غزل را نیکو میسروده است.

۴۴- **مولانا ولی قلندر** هم از شاعران نامی خراسان درین زمان و از جمله شاعران دستگاه محمد بایسنغر و بابر میرزا بوده و در زمانی که پیر بدناغ میرزا بهرات رفته و شاعرانی چند را با خود بشیراز برده است وی نیز با ایشان همراه بوده و سرانجام پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در شیراز در گذشته و در همانجا مدفون شده است. میر علیشیر در مجالس النقایس گوید خیره و دلیر و بی حیا بود و شعرش بیدی شهرت داشت و شاعر غزل سرای بوده و در شعر ولی تخلص میکرده است.

۴۵- **امیر یار بیک سیفی** از امرای بزرگ دربار شاهرخ بوده که تا زمان سلطان حسین میزیسته و جدش امیر جهان ملک از امرای نامی دربار تیمور بوده است و تا زمان شاهرخ از امرای بزرگ بشمار میرفت و وی در زمان شاهرخ امارت موروثی یافت و در زمان بابر سلطان دست از کار دیوانی شست و گوشه گیر شد و همیشه با دانشمندان معاشر بود و سرانجام در ۸۷۰ در گذشت و شاعری توانا بود و غزل را نیکو میسرود و سیفی تخلص میکرد.

۴۶- **خواجه محمود برسه نیشابوری** نیز از شاعران نامی خراسان بوده و در زمان علاء الدوله میرزا در نیشابور میزیست و سپس به مشهد رفت و گویند مردی خود پسند بود و بهمین جهت شعرای زمان از وی زنجیده بودند و او را هجا میگفتند و ناچار از خراسان بیدخشان رفت و سلطان محمد بدخشانی که مردی دانش دوست و از شعرای با خبر بود او را نواخت و از صلاتی که باو داد مالدار شد و بیازرگانی پرداخت چندانکه در زمان سلطان ابوسعید در باغ زانغان هرات جشنی ترتیب داده بود و شعرا هدایحی برو میخواندند. او هم قصیده‌ای ساخته بود که پسندیده افتاد و سرانجام در ۸۷۲ در گذشت.

وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و ده نامه بنام علاءالدوله میرزا سروده که در آن صنایع شعری بکار برده است .

#### ۴۷- امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی جغتایی معروف بشیخ سهیلی

یاشیخ بیگ از معاریف رجال قرن نهم و پس از میرعلیشیر نوایی معروف ترین و محترم ترین امرای دربار سلطان حسین بایقرا درهرات بود و خاندان وی محترم ترین خانواده اوس جغتای بشمار میرفته و مخصوصاً در زمان شاهرخ کارهای مهم داشته اند و وی در جوانی از اعیان دربار سلطان ابوسعید بود و در شاعری در نزد آذری شاگردی کرده و از آذری خواسته است که وی را تخلص بدهد و آذری کتابی بدست داشته و با آن تغال کرده و در آغاز صحیفه سهیل آمده و بهمین جهة سهیلی تخلص کرده است و وی در دو زبان ترکی و پارسی غزل را نیکو می گفته و در هر دو زبان دیوان غزلیات دارد و در ضمن مردی افتاده و متواضع و درویش دوست و دانش پرور بوده و دانشمندان زمان از او بهره مند میشدند و حسین کاشفی کتاب معروف انوار سهیلی را بنام او پرداخته است و سرانجام در ۹۰۷ در گذشته است .

#### ۴۸- خواجه افضل الدین محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی از بزرگان

وزرای قرن نهم بشمار می رفت . پدر و نیا کانش از بزرگان کرمان بودند و وی در زمان سلطان ابوسعید با خواجه برهان عبدالحمید وزیر وصلت کرد و با او بس برد و بوسیله وی در دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و چون لیاقت وی پدیدار شد مستوفی دیوان شد و سرانجام در ۸۷۸ بوزارت رسید و علیشیر نوایی ازو پشتیبانی میکرد . سپس در ۸۹۲ که خواجه مجدالدین محمد در مرو بوزارت رسید و وی هر اسان شد بیپانه وصول مالیات باستر اباد نزد علیشیر رفت و علیشیر بوسیله خواجه غیاث الدین محمد دهمدار پیغام داد و ازو شفاعت کرد ولی مؤثر نیفتاد و مجدالدین در صدد کشتن او بود و سلطان حسین حکمی صادر کرد و او را از استر اباد خواست و افضل الدین راه عراق و آذربایجان را پیش گرفت و سلطان یعقوب بیگ بوی مهربانی کرد و وی چندی در تبریز ماند و سپس عازم حج شد و سلطان یعقوب امارت حج را باو داد و در ۸۹۳ بحج رفت و آنچه از اموال

خود از خراسان همراه برداشته و سلطان یعقوب باو داده بود همه را درین سفر خرج کرد و در بازگشت از حج باز چند سال در عراق ماند تا اینکه در ۹۰۳ هجری که سلطان حسین و میرعلیشیر یاد از وی می‌کنند و باوجود دشمنانی که داشت آهنگ هرات کرد و بسرعت خود را بدان شهر رسانید و یکروز باعداد درباغ جهان آرای پدیدار شد و سلطان حسین و علیشیر شاد شدند اما نظام‌الملک خوافی وزیر باز قصد جان او داشت و علیشیر همچنان از و حمایت میکرد تا اینکه نظام‌الملک معزول شد و وی دوباره بوزارت رسید و پس از چندی باز بر مقام او افزوده شد و لقب اشرف دیوان را باو دادند و پس از آن جزو امرای دیوان شد و برادران و نزدیکانش نیز بمنصب امارت رسیدند از آن جمله پسرش ضیاء الدین محمد که همانام و لقب جدش بود در دستگاه میرزا مظفر حسین که پسر مهتر سلطان حسین بود رتبه امارت یافت و افضل الدین خود چندی با امیر مبارز الدین محمد که از امرای بزرگ دربار بود سازش داشت اما سرانجام در میانشان اختلاف افتاد ولی او هم چنان در مقام خود ثابت بود و کارش بدرجه‌ای رسید که چون مدرسه و خانقاهی در بیرون دروازه عراق در خارج شهر هرات ساخته بود روزی که بیایان رسید سلطان حسین و پسرانش میرزا بدیع الزمان و میرزا مظفر حسین و بزرگان شهر بدعوت او بدانجا رفتند و وی در آن روز نه تن از بزرگان شهر را بتدریس آن مدرسه گماشت و پس از آن یکبار هم سلطان حسین را بخانه خویش دعوت کرد و وی هم پذیرفت اما پیش از آنکه آن دعوت صورت بگیرد بیمار شد و در ۱۴ رجب ۹۱۰ از آن بیماری درگذشت و بدیع الزمان میرزا و مظفر حسین میرزا همه بزرگان شهر در جنازه او حاضر شدند و وی را در گازرگاه هرات نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری در مدرسه‌ای که خود ساخته بود بخاک سپردند و پس از مرگش هر چه داشت ضبط دیوان شد. خواجه افضل الدین مرد نیکوکار دانش پروری بود و همیشه در کسب دانش و پرورش دانشمندان کوشید و در هرات مسجد جامع و مدرسه و خانقاه ساخته است و در شعر نیز دست داشته و قصاید نیکو میسروده و در غزل نیز توانا بوده است.

۴۹ - خواجه آصف آصفی هروی شیرازی از مشاهیر شاعران این قرن

بود. پدرش خواجه نعیم الدین نعمه الله بن علاء الدین فهستانی هروی وزیر سلطان ابوسعید و جدش مشرف خزانة پادشاهان تیموری و مردی نیکو کار و نیکو خواه بود و وی از بزرگان زادگان محترم هرات و دربار سلطان حسین بشمار میرفت و سلطان حسین و علیشیروی را محترم میداشتند و در ضمن از شاگردان و مریدان جامی بود و چندی هم در شیراز مانده بهمین جهت بشیرازی هم معروفست و سرانجام در هرات در ۱۶ شعبان ۹۲۱ در گذشت. آصفی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و غزل و مثنوی را نیکو میسروده است و گذشته از دیوان قصاید و غزلیاتش که معروفست منظومه‌ای بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده است

۵۰ - امیر حسین جلایر از امیرزادگان و شعرای نامی دربار سلطان حسین بایقرا بود. پدرش امیر مبارزالدین علی بیگ جلایر نیز از امیران معروف سلسله جلایر از الوس جغتای بود و در زمان ابوالقاسم بابر رتبه امارت داشت و در زمان ابوسعید با هم ترقی بیشتر کرد و نیز در دستگاہ یادگار محمد میرزا صاحب اختیار بود ولی وی پیرامون کارهای خانوادگی نگشته و مردی وارسته و صوفی مشرب بود و در ضمن مردی دانشمند بشمار میرفته و در شاعری دست داشته و قصیده و غزل را نیکو میسروده و قصایدی در مدح سلطان حسین بایقرا گفته و در قصیده سرایی در زمان خود بر دیگران مقدم بوده است و سلطان حسین بیاس این مدایح حکمرانی برخی از ولایات را باو داد و وی در فرامین دربار مهر میزد و منصب پروانه و نایب گرفت و در شعر طفیلی تخلص میکرد.

۵۱ - ابوعلی حسین بن حسن مراغی متخلص با شرفه معروف بدرویش اشرف

از شاعران پرکار قرن نهم و معاصر بایسنغر و پسرش سلطان محمد بوده و ظاهراً در آذربایجان میزیسته است و سرانجام در ۸۵۴ در گذشته است و وی کتابهای متعدد بنظم فارسی پرداخته است از آن جمله دیوان قصاید و غزلیات وی شامل چهار مجلدست:

۱ - عنوان الشباب ، ۲ - خیر الامور ، ۳ - باقیات الصالحات ، ۴ - مجددات التجلیات و گذشته از آن چندین مثنوی سروده است : ۱ - ترجمه منظوم صد کلامه علی بن ابی طالب ، ۲ - منهج الابرار در برابر مخزن الاسرار که در ۸۳۲ به پایان رساده ، ۳ - شیرین و خسرو

انام در ۸۳۶ ، ۴ - لیلی و معجنون انام در ۸۴۲ ، ۵ - هفت او رنگ بنام عشق نامه ،  
۶ - باسکندر نامه یا ظفر نامه انام در ۸۴۸ .

۵۲ - عزیز الله زاهدی متخلص بعزیز نیز از شاعران این قرن بود و منظومه ای در معاشقات سروده است که در ۸۱۰ پایان رسانده و خود در مقدمه آن گوید که بهرات رفته است و این منظومه شامل هزار بیت است که در همه آنها تجنیس تام و ایهام و صنایع دیگر را رعایت کرده و همه ابیات را ذوقافیتین سروده است .

۵۳ - کمال الدین شیرعلی بنایی هروی از شاعران نامی این زمان است . پسر معماری از مردم هرات بود و بهمین جهت بنایی تخلص میکرد . در جوانی جزو شاعران دستگاه علیشیر نوایی در آمده بود و گویند علیشیر بر وی رشک میبرده است و چون هزال بود و مردم را بزبان هروی هجو میکرد علیشیر از ورنجیده و وی بدر بار سلطان یعقوب آق قویونلو رفته و پس از چندی بهرات باز گشته و با علیشیر آشتی کرده ، اما چندی نگذشته است که باز میانه ایشان بهم خورده و این بار بماوراء النهر رفته و در سمرقند نزد سلطان علی میرزا بن سلطان احمد میرزا بن سلطان ابوسعید رفته و قصیده ای بزبان مروزی بنام مجمع الغرایب در مدح او گفته و نزد وی مقرب شده و در آن دیار مانده است و زمانی هم مداح محمود سلطان بود و سپس که شیبک خان بسمرقند استیلا یافته او را زندانی کرده و پس از کشتن شیبک خان در خدمت تیمور سلطان پسر او بود و در زمان استیلای محمد خان شیبانی منصب ملک الشعرا بی دربار او را یافته و بهمین جهت سرانجام در ۹۱۸ که بهرات باز گشته بود در زمانی که امیر نجم ثانی بفرمان شاه اسمعیل صفوی قرشی را قتل عام کرد او هم در آن میان کشته شد . بنایی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و نخست حالی تخلص میکرده و در آن موقع دیوان حافظ را استقبال کرده است و اینک دیوان قصاید و غزلیات او شامل شش هزار بیت بدست است و جز آن مثنوی باغ ارم یا بهرام و بهروز را بنام سلطان یعقوب در سفر آذربایجان که هنوز حالی تخلص میکرده سروده است و مثنوی دیگری بنام شیبانی نامه سروده است شامل فتوحات و مناقب محمد خان شیبانی و در پایان عمر



بموسیقی پرداخته و آهنگ ساز زبردستی شده است و نیز مشرب تصوف داشته و خوشنویس هم بوده است .

۵۴ - سید نظام الدین محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی معروف بداعی الی الله یا شاه داعی و متخلص بداعی از بزرگان عرفای قرن نهم بود . در ۸۱۵ ولادت یافت و در جوانی بطریقه تصوف وارد شد و از پیروان معروف طریقه نعمه‌اللهی و از اصحاب شاه ولی بود و سفرهای چند کرد و سرانجام در ۸۶۹ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاه است . وی مؤلف عدّه کثیری کتابها و رسایل بنظم و نثر فارسیست و از آن جمله است : مثنوی شاهد که در ۸۶۵ نظم کرده ، کلمات باقیه ، دیباچه جمال و کمال ، ترجمه رساله محیی الدین ، رساله او رادناج نامه ، شرح برخی از اشعار عطار بنام اصطلاحات در البحار فی معنی بیت العطار ، مثنوی چهل صباح ، مثنوی گنج روان ، مثنوی چهار چشمه زندگانی ، عشق نامه ، نسایم گلشن شرح گلشن راز ، کلیات قصاید و غزلیات که در ۸۶۰ جمع کرده است ، رساله خیر الزاد ، محاضر السیر فی احوال خیر البشر نظم و نثر ، بیان عیان فی الحقایق ، جواهر الکنوز در شرح رباعیات سعدالدین حموی ، نظام و سر انجام ، رساله الفراید فی نقل العقاید ، اشاره الثقال ، ترجمه الاخبار العلویه ، مرآت العلویه ، مرآت الوجود ، چهارمطلب لطایف راه روشن ، شرح مثنوی ، اسوة الکسوه ، تحریر الوجود المطلق ، تحفة المشتاق ، رساله شجریه ، التلویحات الحرمیه ، رساله اصطلاحات ، رساله اوراد ، رساله قللهانیه ، ثمره الحسیب ، جواهر الکنوز ، مثنوی چهار چمن ، رضائیه ، سلوة القلوب ، طراز الایاله ، قلب و روح ، کشف المراتب ، کمیلیه ، لمعه ، مثنوی مرشد الرموز ، مثنوی مشاهد ، معرفة النفس ، رساله ولایه و کلیات اشعار او باشش مثنوی شامل پنجاه هزار بیت است .

۵۵ - امیر همایون اسفراینی متخلص بهمایون از غزل سرایان معروف قرن نهم بود . نخست در خراسان می زیست و سپس بآذربایجان رفت و در تبریز مداح قاضی عیسی و سلطان یعقوب بود و پس از مرگ سلطان یعقوب بکاشان رفت و در آنجا بسال ۹۰۲ در

گذشت . همایون از غزل سرایان زبردست قرن نهم بود و غزل را شیرین و سوزناک می گفت و دیوان غزلیات او در حدود دو هزار بیت است .

### ۵۶ - فضل الله جمالی دهلوی از معارف شعرای متصوف هندوستان و از اصحاب

شیخ سماء الله دهلوی عارف متوفی در ۹۰۱ بود و خود در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیست و سفرهای بسیار کرد از آن جمله در هرات بدیدار جامی نایل شد و شرح این سفرها را در سفرنامه خود ثبت کرده است و در ضمن از مشایخ بزرگ زمان خود بشمار میرفته و در ۹۲۲ یا ۹۲۵ در گذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار نزدیک دهلوی هم اکنون زیارتگاه است و وی گذشته از سفرنامه آثار دیگر دارد از آن جمله : مثنوی بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت : قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است و مرآت المعانی بوزن مثنوی .

### ۵۷ - مکتبی شیرازی از مشاهیر شعرای مثنوی سرای ایران بشمار میرود .

از جزئیات احوال وی اطلاع کامل نیست و همینقدر نوشته اند که در شیراز مکتب داری میکرده است ، اما آنچه از مقدمه لیلی و مجنون او برمیآید اینست که سفری به هندوستان کرده و در بازگشت از راه دریای فارس به ربستان و نجد رفته و در آنجا مرقده لیلی و مجنون را دیده و مصمم شده که این مثنوی را بسراید و در ضمن عزم داشته است مثنویهای دیگر نظامی را هم تقلید کند و لیلی و مجنون را در ۸۹۵ بیابان رسانده است و در مقدمه آن ممدوح خود را شاه قاسم بن منصور نام برده است و اینک مزار وی را در مسجد بردی در نزدیکی شیراز میدانند که کتیبه ای در آنجا بنام مظفرالدین ابونصر سلطان حسن بهادرست که تاریخ ۸۷۵ دارد . مکتبی ظاهراً غزلیاتی هم داشته که برخی از ابیات آنرا در تذکرهها ضبط کرده اند اما لیلی و مجنون او که یکی از بهترین منظومه های عاشقانه زبان فارسیست و ۳۱۶۰ بیت دارد معروفست و رحلت ویرا بسال ۹۰۰ یا ۹۱۶ نوشته اند .

### ۵۸ - مانی کاسه گر مازندرانی مشهدی نیز از شعرای نامی این زمان بوده

و پدرش کارخانه کاسه گری داشت و وی از مردم مازندران بوده ولی در مشهد و هرات

میزبسته است و از مداحان محمد حسن میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و در خدمت او بوده و سرانجام در هرات در ۹۱۳ بدست ازبکان کشته شده و دیوان وی که در آن غزلهای نیکو بسیارست اینک بدستست .

۵۹ - مولانا نظام الدین استرابادی از معارف شاعران قرن نهم بود که تا

اوایل قرن دهم نیز میزیست و از ناماوران استراباد بود . در جوانی کسب دانش کرد و بسروذن معما آغاز کرده بود و بهمین جهت بنظام الدین معمای معروف بود و در پایان عمر بواسطه تعصبی که داشت دست از آن کار کشید و جز اشعاری که در مدح ائمه میگفت چیزی نمیسرود و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . وی که در شعر نظام تخلص کرده شاعر زبردستی بود و مخصوصاً قصاید و ترجیعات او شامل چهار هزار بیت در مدایح ائمه امتیاز خاصی دارد و اغلب آنها بسیار معروفست و گذشته از آن مثنوی بلقیس و سلیمان هم سروده است .

۶۰ - مولانا ریاضی ساوجی مهولاتی تربتی از شاعران نامی قرن نهم و از

مردم زاو و مهولات بوده که درین زمان بترت حیدری معروفست و نخست فضای آن سرزمین را داشته و بواسطه شکایت کلاتران آن دیار معزول شده و پس از آن بشاعری پرداخته و مدتی نیز در ساوه میزیسته و بهمین جهت ساوجی هم معروف بوده است و سپس در هرات ساکن شده و از شعرای نامی دربار ابوالغازی سلطان حسین بوده و با اشاره وی فتوحات او را نظم کرده و چون در ۹۱۷ شاه اسمعیل صفوی خراسان را گرفت وی «امیر المؤمنین حیدر علی بن ابی طالب» را تاریخ آن واقعه یافت و نزد شاه اسمعیل مغرب شد و فتوحات وی را هم نظم کرد و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . میر علیشیر در مجالس النقایس گوید مردی مبدل الاحوال بود و کارهایی منافی قضا میکرد ، بهمین جهت معزول شد و در بند و مصادره افتاد و بسیار رنج دید و هر چه کرد نتوانست بکار خود باز گردد و در معزولی گاهی وعظ میکرد و بر سر منبر شعر خود را میخواند و از وجد و حال میگریست و وی بیش از ۸۰ سال عمر کرده است و در غزل سرایی شاعر زبردستی بشمار میرود .

۶۱ - مولانا کمال الدین عبدالواع نظامی باخرزی از منشیان معروف

دربار سلطان حسین بایقرا بود . پدرش جمال الدین مطهر باخرزی نیز از دانشمندان

زمان خود بشمار میرفت و وی در انشا و ترسل مهارت کامل داشت و از پیوستگان خواجه مجدالدین محمد وزیر بود. در آغاز پادشاهی سلطان حسین بتألیف تاریخ سلطنت او آغاز کرد اما چون تشبیهات و استعارات بسیار آورده بود سلطان حسین تألیف او را نپسندید و آن کار را بدبکران سپرد و سپس وی جزو خاصان دستگاه خواجه نظام الملك خوافی وزیر درآمده و خواجه کمال الدین حسین و خواجه رشید الدین عبدالملك پسران نظام الملك در انشا و ترسل شاگردان او بوده اند و وی ترسلی بنام ایشان تألیف کرده است و در ضمن شعر را نیکو میگوید و قصاید خوب سروده و نیز در هجاءم دست داشته است. میرعلیشیر در مجالس النقایس میگوید بغایت سبک روح بود و خواند میر گوید از شنیدن سخنان مزاح آمیز زود متغیر میشد.

۶۲- مولانا عبداللہ ہاتفی جامی از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم و خواهر زاده نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف بود. در قصبه خرچرد نجام ولادت یافته و همانجا چهارباغی ساخته و در آنجا ساکن شد و مردی گوشه نشین و پارسا بود. میرعلیشیر در مجالس النقایس گوید در خدمت جامی بوده و اگرچه در جوانی فاسق و پریشان بود مرد پخته‌ای شد. ازینقرار مدتی در هرات در کنف تربیت جامی زیسته است و سرانجام در ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از تصرف خراسان بعراق باز میگشته و از خرچرد میگذشته برای زیارت قبر شاه قاسم انوار در آنجا درنگ کرده و در ضمن گردش بآن باغ رسیده و در رابسته دیده و از شاخ درختی که سر از باغ بیرون کرده بود وارد باغ شده و هاتفی آگاہ گشته و باستقبال او رفته و شاه پس از دلجویی بهخانه او رفته و از ماحضری که داشته خورده است و ازو شعر خواسته و وی دیوان خود را بناو نموده و شاه اسمعیل شعر او را پسندیده و بنظم فتوحات خود مأمور کرده و وی هزار بیت سروده و عمرش وفا نکرده و در محرم ۹۲۷ درگذشته است و وی را در همان باغ بخاک سپرده اند. هاتفی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت و بجز دیوان قصاید و غزلیات تقلید از خمسه نظامی کرده و پنج مثنوی گفته است: نمرنامه در فتوحات نیمور معروف بظفرنامه تیموری در برابر

اسکندر نامه نظامی که از روی ظفر نامه شرف الدین علی یزدی نظم کرده است ، هفت منظر در برابر هفت پیکر ، لیلی و مجنون ، شیرین و خسرو بنام میر علیشیر نوایی ، فتوحات شاهی در غزوات شاه اسمعیل معروف با اسمعیل نامه یا شاهنامه هانفی .

۶۳ - **ارجاسب اسدی طهرانی رازی** از مشاهیر شعرای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . پدرانش رئیس و کدخدای طهران بوده اند که در آن زمان قصبه ای از توابع ری بود و وی در جوانی برای کسب دانش بشیراز رفته و در زمرة شاگردان مولانا جلال الدین دوانی در آمده و علوم زمانه را فرا گرفته و بیشتر در طب دست داشته و پزشک حاذقی بوده و درین زمان نام خود را مسعود گذاشته و با بیشتر از ارکان دولت شاه اسمعیل صفوی مربوط بود و در پایان زندگی در طهران ساکن شد و در آنجا باغی ساخت و آنرا «باغ امید» نامید و بر سر همین باغ در میان وی و شیام قوام الدین نور بخش پیشوای نور بخشیان نزاع در گرفت و در ۹۲۹ شام قوام الدین بایندر اولاد را با جمعی شبانه بر سر او فرستاد و چند زخم باو زدند و او از آن زخمها در گذشت و در طرشت طهران او را به خاک سپردند . امیدی در قصیده و غزل دست داشته و درین دو فن از شاعران زبردست قرن نهم بشمار میرفته است و دیوان او باقیست .

۶۴ - **بابافغانی شیرازی** نیز از مشاهیر شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . نخست در شیراز میزیست و بکار دگری اشتغال داشت و پس از چندی با نذر بایجان بدر بار سلطان یعقوب رفت و کارش بالا گرفت و چون مردی صوفی مشرب بود او را بابای شعر الخطاب میکردند ، اما شرابخوار و بد مست بود و همیشه در میخانه هابسر میبرد . پس از مرگ سلطان یعقوب در زمان شاه اسمعیل بخراسان رفت و در شهر ابیورد ساکن شد و حکمران دیار هر روز يك من شراب و یکمن گوشت باو میداد و سرانجام کارش بجایی رسید که میخواران شرابخانه ها او را در پی کار خود باین سو و آن سو میفرستادند و با او هزل میکردند و بی از ناچاری تحمل میکرد تا آنکه بمشهد رفت و در آنجا بسال ۹۲۵ در گذشت . فغانی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و مخصوصاً غزل را بسیار خوب میگفته و در غزل سبک خاصی دارد که برقت الفاظ و شور انگیزی معانی

معروفست و قصاید وی در مناقب ائمه است و دیوان او شامل پنج هزار بیتست .

۶۵ - **خواجه مسعود قمی** از شعرای نامی زمان خود و از اعیان قم بود و منصب قضا داشته و بهمین جهت بقاضی مسعود نیز معروف بوده است و در زمان سلطان حسین بهرات رفته و از ملازمان میر علی شیر نوایی شد و چون شاعر زبردستی بود و مثنوی را نیکو میساخت سلطان حسین از وی خواست که تاریخ سلطنتش را بنظم آورد و وی منظومه‌ای سروده است که عدد اشعار آنرا باختلاف دو هزار و دوازده هزار ضبط کرده‌اند و نیز منظومه یوسف و زلیخا و مناظره شمس و قمر و تیغ و قلم را سروده است و سرانجام در هرات پیش از تألیف مجالس النفایس یعنی سال ۸۹۶ در گذشته است و وی گذشته از مثنوی در غزل هم دست داشته و شاعر زبردستی بوده است .

۶۶ - **درویش دهکی** هم از شاعران نامی این زمان و اصلاً از مردم دهک یکی از محلات شهر قزوین بود و نخست در قزوین جولاهی میکرده و در ضمن شعر میگفته و چون بشاعری معروف شده است سلطان یعقوب او را بآذربایجان نزد خود خوانده و در مجلس وی مطلعی خوانده است که بسیار پسندیده شده و از آن پس روز بروز بر پایه اش افزوده میشد تا اینکه از شعرای محترم شد . وی در غزل استاد بود و درین فن معروفست .

۶۷ - **اهلی ترشیزی خراسانی** نامش یوسف بن محمد بن شهاب و از مردم ترشیز بود و در جوانی بشاعری آغاز کرد و نخست از مداحان شاهرخ بوده و تا زمان سلطان حسین نیز میزیسته و درین زمان عاشق فریدون میرزا شده است . در باره عشق او داستانهایی ساخته اند از آن جمله گویند از شدت عشق موی خود را گذاشته بود و دیوانه‌وار میزیست و پس از انقراض سلسله تیموریان تبریز رفت و چون در کمانداری بسیار زبردست بود جوانان تبریز پیش او مشق کمان کشی میکردند و سر انجام از شدت پیری گوشه گیر شد و هم در آن شهر در گذشت . اهلی ترشیزی که قسمتی از پایان عمر او با آغاز عمر اهلی شیرازی شاعر معروف قرن دهم مقارن بوده و بهمین جهت گاهی با یکدیگر مشتبه شده اند از غزل سرایان توانای قرن نهم بوده و گذشته

از آن در جوانی منظومه‌ای بنام تحفة السلطان فی مناقب النعمان بنام شاهرخ سروده است که ترجمه و نظم کتاب المواهب الشریفه فی مناقب ابی حنیفه تألیف امام ابو الحسن بیهقی دانشمند معروف قرن ششمست و آن را در شوال ۸۳۹ پیاپیان رسانده است و دیوان غزلیاتش شامل پنج هزار بیتست

۶۸ - الف ابدال بلخی اصفهانی نیز از شاعران معروف زمان و اصلاً از مردم

بلخ بوده اما چون مدتی در اصفهان زیسته باصفهانی هم معروف شده است. نخست مطیعی تخلص می کرده اما پس از چندی بنام خود ابدال تخلص کرده و وی در آغاز کار در دربار سلطان یعقوب در آذربایجان می زیسته و چون مردی شیرین سخن بوده ظرایف او با سلطان یعقوب معروف شده است و پس از مرگ سلطان یعقوب باصفهان رفته و در زمانی که شاه اسمعیل اصفهان را گرفته است یکی از خدمتگزاران شاه اسمعیل که حبشی بود و او را کرزالدین می‌گفتند او را گرفته و زر از وی خواسته و هرچه وی را می زده است او در پاسخ می گفته که «الف چیزی ندارد» و چون این لطیفه را برای شاه اسمعیل گفتند و او را نزد خود خوانده و شاه اسمعیل لطایف و اشعار او را پسندیده و وی را وظیفه بر قرار کرده و ازین قرار تا اوایل قرن دهم می زیسته است و شاعری توانا بوده و مخصوصاً در هزل و هجا دست داشته است.

۶۹ - مالی شیرازی نیز از شاعران معروف این زمان بوده و نخست برزگری

می کرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده است و درین فن معروف شده و پس از آن در زی سپاهیان وارد شده و در زمان شاه اسمعیل بمراغ عالی رسیده ولی بسعادت امیر نجم زرگر در آذربایجان کشته شده و در تبریز او را بخاک سپردند و وی در غزل سرایی شاعر زبردستی بوده و غزل عارفانه را بسیار خوب می سروده است.

۷۰ - حیدر کلیچه پز هروی نیز از شاعران معروف اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم بود. در اوایل در هرات کلیچه پزی می کرده و پس از آن بشاعری پرداخته ولی عامی بوده و بیشتر معنی سخنان خود را نمی فهمیده است و در ضمن درویش مملک بوده و گاهی برای تجارت به هندوستان میرفته است و قصیده و غزل می سروده

اما در غزل بیشتر دست داشته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت می‌شده است .

۷۱ - **ضیایی ارده و بادی** از مشاهیر شعرای آذربایجان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در جوانی بخراسان رفته و از ملازمان دستگاه میر عالی شیر شده و در ۹۲۷ در گذشته و شاعر زبر دستی بوده و در قصیده و مخصوصاً در لغز دست داشته

۷۲ - **درویش حسامی قراکولی خوارزمی** نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و اصلاً از مردم خوارزم بوده اما در قراکول از توابع بخارا می‌زیسته و مردی درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۲ در گذشته و در آن زمان از بهترین شعرای ماوراءالنهر بود و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۳ - **مهدی استرابادی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و برادر نظام الدین استرابادی شاعر معروف آن زمان و مرد بسیار فاضل و درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۴ در گذشته و شاعر غزلسرای زبر دستی بوده و در شعر مهدی تخلص می‌کرده است .

۷۴ - **محبی لاری** از دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از شاگردان علامه دوانی بود و گذشته از علوم دیگر در عروض و فنون شعر هم دست داشته و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده و پیروی از سبک فغانی می‌کرده است .

۷۵ - **مجوی بسطامی** از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در هرات در دستگاه خواجه عبدالله مروارید می‌زیسته و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۶ - **میرمسیاه روی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی نیکو مشرب و درویش مسلک بوده و در ضمن نوشخوار و خوش گذران بوده است و سرانجام بماوراءالنهر رفت و همانجا در گذشت و وی نیز از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده است .

۷۷ - **پیز کیا سیدعلاء الدین محمد بن محمد بن عبداللّه موسوی معروف بسید**



محمد نوربخش از معاریف مشایخ تصوف ایران و از بزرگان رجال قرن نهم بشمار است و نسبش بهفده واسطه با امام موسی کاظم می‌رسید. در طریقت از اصحاب خواجه اسحق ختلائی بوده است و وی از خلفای میرسید علی همدانی بشمار می‌رفته و خواجه اسحق او را نوربخش لقب داده بود و وی طریقه جدیدی در تصوف فراهم ساخت که بمناسبت لقب او بطریقه «نوربخشیه» معروف شد. پدرش از وطن خود بقاین رفته بود و وی در آنجا در ۷۹۵ ولادت یافت و جوانی را در ختلان گذراند و پس از فوت شاهرخ از آن دیار بمشهد و سپس بری آمد و در شهر یار سناکن شد و قریه سنوالتان را آباد کرد و در آنجا خانقاهی ساخت و مزیدانش در همانجا بندو گرد آمدند و در روز پنجشنبه ۱۴ ربیع الاول ۸۶۹ در هفتاد و سه سالگی در گذشت و او را در باغ خود دفن کردند و پس از وی پسرش شاه قاسم فیض بخش و شمس الدین محمد بن یحیی که پس ازین ذکر او خواهد آمد جانشین او و پیشوای آن طریقه شدند. سید نوربخش یک سلسله کتابهای شیوا بنظم و نشر فارسی گذاشته است از آن جمله: شجره مشایخ، رساله در سلوک، رساله انوار، منظومه نجم الهدی، منظومه کشف الحقیقه فی بیان عوالم الکثرة والوحده، منظومه واردات، معاش السالکین، نور بخشیه. محمد بن حاج محمد سمرقندی که از اصحاب او بود کتابی در مناقب وی نوشته است.

۷۵ - شمس الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی <sup>۳۴۱</sup>یلانی نوربخشی متخلص باسیری که پیش ازین ذکر او رفت از بزرگان مشایخ طریقه نوربخشیه بود. نخست در ری جزو اصحاب سید محمد نوربخش می‌زیسته و پس از مرگ او بشیراز رفته و در آنجا بطریقه خود ارشاد کرده و پیشوای نوربخشیان فارس شده و در شیراز خانقاه مجللی بنام «نوریه» داشته است و سرانجام در ۹۱۲ در شیراز در گذشته است و در تصوف مولفات معتبر دارد و از آن جمله کتاب معروف مفاتیح الاعجاز شرح گلشن راز است که معروفترین و رایجترین شرح این کتاب بشمار می‌رود و آنرا در روز دوشنبه ۱۹ ذی حجه ۸۷۷ پایان رسانده است و دیگر از آثار اوست منظومه اسرار الشهود، دیوان غزلیات و قصاید، معاش السالکین.

۷۹ - مولانا نظام الدین محمود دین امیر احمد قاری یزدی از شاعران زبردست قرن نهم بوده و در شیراز میزیسته و وی مبتکر سبک مخصوصی در شعرست که تقلید از سبک بسحق اطعمه است منتهی وی در شعر نام لباسها و پارچه‌ها را آورده و بهمین جهت دیوان خود را دیوان البسه نام نهاده است .

۸۰ - عطار تونی نیز از شعرای قرن نهم بوده و ظاهراً فریدالدین محمد بن ابراهیم نام داشته و در نیشابور متولد شده و بهمین جهت آثار فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری شاعر معروف قرن ششم و قرن هفتم را بخود می بسته است و وی پیرو طریقه شیعه و ظاهراً ساکن نون و مشهد بوده و سفری هم بحج رفته است و هر چند که در شعر مهارت کامل نداشته چندین مثنوی سروده است که همه آنها را بنام عطار نیشابوری منتشر کرده اند و آثار وی ازین قرار است : ترجمه الاحادیث یا مواعظ ، اشتر نامه ، بلبل نامه ، بیسر نامه ، جواهر الذات ، خیاط نامه ، سی فصل ، لسان الغیب ، مظهر العجایب ، حلاج نامه ، وصلت نامه ، کنز الحقایق ، گل و هرمز ، معراج نامه .

۸۱ - حافظ علاف شیرازی از شاعران متصوف قرن نهم شیراز بوده و در زمان ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری تذکرة الاولیای عطار را بنام ولی نامه بنظم در آورده و شش سال مشغول نظم آن بوده و آنرا در ۲۴ هزار بیت در ۸۲۱ در جامع عتیق شیراز بیابان رسانده و اینکار را در نتیجه الهامی که باو شده آغاز کرده و ابراهیم سلطان هم در اثنا کار او را تشویق کرده است .

۸۲ - شهاب الدین امیر سید عبدالله برزش آبادی مشهدی از مشایخ تصوف قرن نهم و از مریدان خواجه اسحق ختلانی و از پیشوایان سلسله ذهبی بود و رشیدالدین محمد بید آوازی خلیفه و جانشین وی بود . وی مؤلف رساله کمالیه است و غزل را هم نیکو میسروده و عبدالله تخلص میکرده و دیوان غزلیات او در دست است .

۸۳ - شیخ رشیدالدین محمد بید آوازی چنانکه گذشت از خلفای شهاب الدین عبدالله سابق الذکر و از مشایخ طریقه ذهبی بود و او هم غزل را نیکو میسروده و رشید تخلص میکرده و دیوانش در دست است .

۸۴ - مولانا جلال الدین محمد آگهی قاینی از شاعران نامی قرن نهم و از معاصران سلطان حسین بایقرا و از جانب پدر نبیره مولانا جلال الدین محمد قاینی از علمای مشهور آن زمان و از جانب مادر از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی بوده است. در جوانی ملازم شاه فریب میرزا بوده و پس از چندندی این شاهزاده او را از خدمت معاف کرده و چندندی در خراسان سرگردان بود و چون شاه اسمعیل خراسان را گرفت وی بهرات رفت و آنجا ساکن شد و چون کسی با توجهی نکرد در ۹۲۶ قصیده شهر آشوبی ساخت و در آن از همه حکام و امرا و سادات و علما و اشراف و اعیان شهر بدگفت و چون آن اشعار را بامیر خان والی خراسان رساندند بسعایت بدخواهان دستور داد دست و زیاتش را ببرند و در همان سال ۹۲۶ در گذشت. وی در بیشتر از علوم دست داشته، مخصوصاً در شعر ماهر و از استادان شعر بسبک قدیم بوده و درجد و هزل مهارت داشته و دیوانش در دست است.

۸۵ - خواجه ابوالوفاء خوارزمی از بزرگان مشایخ قرن نهم بوده و در خوارزم میزیسته و در علوم ظاهری و باطنی و حتی در علوم غریبه و موسیقی هم دست داشته و از آغاز جوانی در طریقه تصوف سیر کرده است و سرانجام در خوارزم بسال ۸۳۵ در گذشته و همانجا مدفون شده است. وی چند رساله در تصوف و رساله ای در موسیقی تألیف کرده و برخی از رباعیات و ترجیعات از او مانده است.

۸۶ - سید قطب الدین میر حاج گنابدی متخلص بانسی از فرزندان زادگان شاه نعمه الله ولی بود و در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات میزیست و مردی گوشه نشین و منزوی بود و میر علیشیر نوایی و جامی باو احترام میکرده و بدیدن وی میرفته اند و سرانجام در همان شهر در گذشت. وی شاعر توانایی بوده و در غزل و قصیده دست داشته و مخصوصاً قصاید فراوان در نعت ائمه شیعه سروده است.

۸۷ - محبوبی علی حکیمی طبعی از مریدان سید نسیمی عارف و شاعر معروف قرن نهم بوده و وی نیز صوفی مشرب و شاعر زبردست بوده و غزل را نیکو میسروده است و در ۸۸۱ در طبرس در گذشته است.

۸۸ - بابا علی‌شاه ملقب بابدال نیز از عرفای نامی آن زمان بود و ذرهرات میزیسته و با جامی معاشرت داشته و شعر عارفانه را نیکو میسروده و در ضمن مردی وارسته و شوریده بوده است .

۸۹ - شیخ زاده فدایی لاهیجی پسر اسیری لاهیجی سابق الذکر است و وی نیز مانند پدر از مشایخ تصوف بوده و تا اوایل قرن دهم و پس از انقراض سلسله تیموری زنده بود و چندی جزو ملازمان شاه اسمعیل صفوی بوده است و برسالت بدر بار محمدخان شیبانی رفته و سرانجام گوشه نشین شده و در شیراز اتروا گزیده و همانجا در ۹۲۷ در گذشته است . فدایی از شاعران نامی زمان خود بوده و غزل عارفانه را خوب می‌گفته و دیوان او رایجست .

۹۰ - شیخ عماد الدین فضل‌الله بن علاء الدین علی برزنجی آبادی طوسی نیز از بزرگان مشایخ تصوف قرن نهم و از خلفای حاج شیخ محمد خوبوشانی بوده و از مشایخ سلسله نور بخشی بشمار میرفته و بدو واسطه سید محمد نور بخش رسید ، زیرا که شیخ محمد خوبوشانی مرید شیخ محمد لاهیجی و از مرید سید محمد نور بخش بوده است و سرانجام در ۹۱۴ در قنده از بکان در مشهد کشته شد است و ویرا در تصوف مؤلفات چندست از آن جمله شرحی بر لوایح جامی نوشته و شعر را هم نیکو میسروده است .

۹۱ - میر قوام الدین نصرالله قوامی خوافی نیز از مشایخ عرفای زمان شاهرخ بوده و در ۷۳۴ ولادت یافته است . نخست در کارهای دیوانی بوده و روزی که بر پیرزنی ستم کرده بود پیرزن بالحن عتاب آمیز بوی گفت : از خدا شرم نمیکنی که بر چون من عجوزه ستم میرانی ؟ وی ازین سخن آشفته شد و قلم و دوات خود را در زیر سنگ شکست و بحلقه تصوف در آمد و از آن پس در اتروا میزیست تا اینکه در ۸۳۰ در گذشت و کتابی در تصوف بنام جنون المجانین نوشته و شعر را نیز خوب میسروده است .

۹۲ - خواجه مؤید مهنوی از بازماندگان ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در همان سرزمین میهنه که خالک پدراش بوده است میزیسته و از مشایخ

معروف زمان خود بوده و در ضمن واعظ زبر دستى بشمار ميرفته و در زمان خویش بسیار محترم بوده و در اواسط قرن نهم در گذشته و در همان گنبد جدش او را بخاک سپرده‌اند و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده است .

۹۳ - **خواجه ناصرالدین ابو نصر مهنوی** از فرزندان خواجه مؤید سابق

الذکر و مانند پدر از بزرگان مشایخ خراسان بوده و سرانجام در فتنه شیعه و سنی در پایان قرن نهم در گذشته و او هم از شاعران عارف مشرب آن زمان بوده است .

۹۴ - **امیر سید احمد لاله** از عرفای سلسله زهبی و از خلفای امیر سید شهاب‌الدین

عبدالله برزش آبادی و شاعر بوده است .

۹۵ - **سید افضل بن سید نظام‌الدین سلطانعلی موسوی هروی** نیز از

مشایخ تصوف و مردی پارسا بود و چون برای مردم استخاره کرده و خواب میدید به «میر خواب بین» معروف بوده است و سلطان حسین بایقرا بوی اعتقاد بسیار داشت ، بهمین جهت کارش بالا گرفت و در ۹۲۱ در گذشت و از شاعران نامی زمان خود بود .

۹۶ - **انوری هروی** از شاعران نامی زمان خود بود و تا پایان قرن نهم در

هرات میزیسته است .

۹۷ - **درویش بابا علی خوشمردان سبزواری** نیز از عارفان مشهور زمان

خود بوده و بیشتر در سبزواری میزیسته و شاعر توانایی بوده است .

۹۸ - **مولانا یوسف بدیعی اندجالی** از شاعران نامی زمان خود بوده و در

آغاز جوانی بسمرقند رفته و کسب دانش کرده و در ضمن شاگرد صفایی سمرقندی شاعر بود و سپس در هرات زیسته است و سرانجام در هرات مانده و در آنجا بسال ۸۹۷ در گذشته است . بدیعی از شاعران زبردست زمان خود بوده و رساله‌ای در معما تألیف کرده است .

۹۹ - **مولانا برهان‌الدین عطاءالله رازی هروی** نیز از شاعران زبردست

زمان خود بوده و دانشمند کاملی بشمار میرفته و مدتی مدید در مدرسه میرزا سلطان ابوسعید و خانقاه میر علیشیر در هرات تدریس میکرده و سرانجام در ماه رمضان ۹۰۲

در گذشته است و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده و رساله‌ای در معما بنام جواهر الاسماء تألیف کرده است .

۱۰۰ - امیر برهان‌الدین عطاءالله نیشابوری وی نیز از دانشمندان زمان خود بوده و از نیشابور بهرات رفته و سالها در مدرسه اخلاصیه هرات تدریس میکرد و در پایان زندگی کورشده و از هرات بمشهد رفت و در آنجا در اواسط شوال ۹۰۹ در گذشت . وی نیز در عروض و صنایع شعر و معما دست داشته و رساله‌ای در قافیه و صنایع شعری نوشته است .

۱۰۱ - عطاءالله بن محمود بن حسین مشهدی متخلص بعطایی از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از مختصان میرعلیشیر نوایی بشمار می‌رفته و مداح مخصوص او بوده و مؤلف کتابهای بسیار در صناعت شعرست از آن جمله کتاب بدایع الصنایع که بنام علیشیر تألیف کرده و شامل فن عروض و قوافی و محسنات کلامست و در ۱۸۹۴ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم جمادی الاخره ۱۲۹۸ پیاپی رسانیده و دیگر کتاب تکمیل الصناعه در معانی و اقسام شعر و محسنات کلام و معما و عروض و قافیه که پس از کتاب سابق الذکر تألیف کرده و دیگر رساله‌ای در قافیه که فصل آخر کتاب تکمیل الصناعه را بعدها خود باین رساله تبدیل کرده و بنام میرعلیشیر پیاپی رسانیده، دیگر کتاب منتخب الصناعه و رساله دیگر در قافیه که از مقطع کتاب منتخب الصناعه استخراج کرده است ، رساله‌ای در فن شعر و قوافی ، کامل الصناعه در فن شعر ، تکملة الصنایع که در ۹۲۵ با تمام رسانیده است .

۱۰۲ - خواجه علاءالدین علی باخرزی متخلص بصالحی از اشراف باخرز بود و خود را از خانواده برمکیان میدانست و در ضمن مردی کریم و لطیف طبع بود و در آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر او شد ، اما چون با زیر دستان بد رفتاری میکرد و وزرای دیگر از او رنجیده بودند مورد خشم واقع شد و شش سال در بند ماند و سرانجام در اوایل محرم ۸۹۱ او را در چهارسوی هرات بخلق کشیدند . صالحی با همه ستمگریها مردی بسیار دانشمند و شاعری توانا بوده است .

۱۰۳ - **سالك الدين محمد حموي يزدي** از اولاد سعدالدين حمويه عارف مشهور قرن هفتم بوده و پدراش در يزد ساکن شده‌اند و وی در آنجا پیش از ظهر شنبه ۲۱ رمضان ۸۴۷ ولادت یافته و مانند اجداد خود از مشایخ تصوف بوده و سفرهایی بخراسان و کرمان و مشهد و قزوین و شیراز و طبس و اصفهان کرده و تا ۹۱۵ زنده بوده است و دیگر پس از آن اثری از وی نیست و وی اشعاری عارفانه میسروده است.

۱۰۴ - **کاشف الدين ابوالمحمد محمد حموي يزدي** پسر سالك الدين سابق الذکر و مانند پدر از مشایخ تصوف يزد بوده و در سال ۹۱۰ کشته شده است، اما سبب کشته شدنش پیدا نیست و او هم مانند پدر اشعاری صوفیانه میسروده است.

۱۰۵ - **انظام الدين ابوالکرامه اسحق حموي** وی نیز از همان خاندان سعدالدين حمويه و از مشایخ قرن نهم و پدر سالك الدين محمد سابق الذکر بوده و در صفر ۸۵۲ در گذشته و او هم ساکن يزد بود و اشعاری عارفانه میسروده است و از مریدان فریدالدين ابو سعید عبدالباقي بن علی بن عبدالحق از اولاد عبدالله انصاری بوده که در آغاز قرن نهم در يزد میزیسته است.

۱۰۶ - **سید شريف معمایي** از مشاهیر شعرای معما ساز قرن نهم بوده و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیسته و تا اوایل قرن دهم نیز زنده بوده است و مؤلف کتابهای بسیار در فن معماست از آنجمله کتاب «افکار الشریف» که در ۹۰۶ بنام بایزید دوم پادشاه عثمانی بیابان رسانده و «الفیه الشریف» که در ۹۰۸ بیابان رسانده و «مجمع القواعد» و «رسالة شریفیه» در معما که منظومه است و «تحفة الشریف» و «ایهام الشریف».

۱۰۷ - **میر مختوم نیشابوري مدني** از مشاهیر عرفای خراسان و جدش از مردم مدینه بوده و در خراسان ساکن شده و وی در نیشابور بجهان آمده و در همانجا ساکن بوده است و چون شاه قاسم انوار را از هرات راندند ویرا هم از نیشابور بیرون کردند و وی در ۸۳۰ یا ۸۶۲ در گذشته و از شاعران نامی زمان خود بوده و دیوان او رواج کامل داشته است.

۱۰۸ - **حافظ تاج الدين حسن استرآبادي صفایي دامغانی صدرالحفاظ**

از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و در ضمن شاعر هم بوده است.

۱۰۹ - شاه تاج‌الدین حسن داعی از عرفای قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه‌الله ولی

بوده و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۱۰ - سید جعفر نوربخش پسر مهتر سید محمد نوربخش عارف مشهور بوده

و در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و سلطان حسین بوی احترام بسیار کرده و رجال دربار او مستمری گران در باره او برقرار کرده‌اند ولی وی بواسطه علم و همت بدان راضی نشده و بهرستان رفته است و در ضمن شاعر توانایی بوده است.

۱۱۱ - حافظ علی غوریانی پسر نورالدین محمد غوریانی، خود و پدرش از

شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا بوده‌اند و وی چند سال صدارت و استادی ابو تراب میرزا شاهزاده تیمور را داشته است و خوشنویس بوده و در شعر دست داشته است.

۱۱۲ - مولانا حسنعلی روغن گرهروی نیز از شاعران دربار سلطان حسین

بایقرا بوده و در هرات ولادت یافته و از مداحان میر محمد یوسف بوده است.

۱۱۳ - مولانا شهاب‌الدین احمد حقیری هروی نیز از شاعران نامی دربار

سلطان حسین بوده و پس از انقراض سلسله تیموریان بمداحی میرزا حبیب‌الله وزیر خراسان پرداخته و در معما نیز دست داشته و رساله‌ای در توضیح قواعد معما نوشته است.

۱۱۴ - درویش صفایی کرمانی از شاعران صوفی مشرب زمان بوده و شعر را

روان میسروده است.

۱۱۵ - درویش زلالی کرمانی پسر صفایی سابق الذکر، وی نیز از شاعران قرن

نهم بوده و اشعار عارفانه میسروده است.

۱۱۶ - زلالی هروی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا بوده وی و پدرش

هر دو درویش مشرب بوده‌اند و قصیده و غزل را نیکو میسروده و در ضمن مردی بسیار قانع بوده است.

۱۱۷ - نظام‌الدین سلطانعلی مشهدی از خوشنویسان معروف قرن نهم و یکی



از مشاهیر خطاطان نسخ تعلیق بشمار میرود و در خط شاگرد اظهر تبریزی متوفی در ۸۵۰ هجری بوده و اظهر شاگرد جعفر تبریزی و وی شاگرد میرعلی تبریزی واضع خط نسخ تعلیق بوده است. وی شاگردان بسیار داشته که خوشنویسان معروف زمان خود بوده‌اند و در زمان خود معروفترین خطاط بود بهمین جهت او را «قبلة الكتاب» لقب داده بودند و مردی وارسته و بسیار نیکو سیرت و خوشرو بود و در دستگاه سلطانحسین بایقرا احترام بسیار داشت و در ۹۱۹ یا دهم ربیع الاول ۹۲۶ در مشهد در گذشت و وی در شعر نیز دست داشته است.

۱۱۸ - شرف معمایی نیز از معما سازان زبردست قرن نهم بوده و بزبان پارسی و تازی معما میسروده و مجموعه معميات او باقیست.

۱۱۹ - شرفالدین حاج محمد فراهی پدر معینالدین فراهی دانشمند و مورخ معروف این قرنست که شرح حالش پیش ازین آورده شده و وی نیز از دانشمندان شهر هرات بوده و شعر فارسی را خوب میسروده است.

۱۲۰ - شریف شیرازی از دانشمندان صوفی مشرب قرن نهم و ساکن شیراز و از شاگردان امیر محمد پسر میرزا سید شریف کرکانی بوده و کتابی در معاد بمشرب تصوف بنام «بیان الواقع» بنام زینالدین شیخ علی وزیر نوشته و شعر هم میگفته است.

۱۲۱ - سید شمسالدین محمد اندجانی معروف بمیر سر برهنه از اعیان زمان سلطانحسین بایقرا بوده و از جوانی جامه قلندران پوشیده و گاهی سر برهنه در کوی و برزن میگشته است و در ضمن از دانشمندان زمان خود و مردی شیرین سخن و هزالی بود نخست در ترکستان میزیست و سپس بهرات رفت و در دربار سلطانحسین نخست منصب شیخی و تولیت مزار شیخ لقمان پرنده را یافت که از بقاع متبرک هرات بود و بیست سال تولیت آن بقعه را داشت و به سعادت بدخواهان عزل شد و چون پنداشت که میر علیشیر نوایی در عزل او دست اندرکار بوده است با میر علیشیر کدورتی بهم زد؛ اما چندی بعد دو باره بامیر علیشیر دوست شد و منصب صدارت را باو دادند و پس از چندی از آن مقام استعفا داد و گوشه نشین شد و سرانجام در ۸۹۸ در گذشت. وی شاعر

زبردستی بوده<sup>۱</sup> -

۱۲۲ - **شمس الدین محمد تبادگانی** از عرفای نامی قرن نهم ساکن هرات و از خلفای شیخ زین الدین خوafi بود و از پارسایان معروف زمان خود بشمار میرفت و مریدان بسیار داشت و در ۸۹۱ در گذشت و پس از مرگش میرعلیشیر در سر قبر وی خانقاهی ساخت که حمیدالدین پسرش و مریدان وی در آنجا عبادت میکردند و تا ۹۱۷ که حمیدالدین زنده بود آن خانقاه رونق داشت. شمس الدین محمد تبادگانی از عرفای دانشمند بوده و بنظم و نثر آثار عمده داشته است و از آنجمله قصیده بردمرا مخمس کرده و شرحی بر منازل السایرین عبدالله انصاری نوشته و شعر فارسی راهم نیکو میسروده است.

۱۲۳ - **شمس الدین محمد عرب** نیز از عارفان نامی آن زمان بوده و با آنکه درویش مشرب بوده ریاست طلب هم بوده است و چون میرزا ابوالقاسم بابر بوی مهری نداشته مردم را بسوی میرزا علاءالدوله جلب میکرد تا اینکه در ۸۶۰ سید عبداللّه نامی در شیوة سپاهیان بهرآه آمد و با وی بهمراهی میرزا علاءالدوله یار شد و بابر وی را گرفت و بیستان فرستاد و آنجا در غربت در گذشت. وی نیز در شعر فارسی دست داشته است.

۱۲۴ - **مولانا محمد عالم سمرقندی** از شعرای نامی قرن نهم و از علمای سمرقند بوده و در دربار الخ بیک مقام رفیعی داشته و از مدرسان معروف زمان خود بوده و چون دلیر شد و با الخ بیک گستاخانه سخن میگفت الخ بیک او را از سمرقند اخراج کرد و وی بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا احترام داشت؛ تا اینکه در هرات در گذشت. وی در غزل است داشته و از غزل سرایان نامی زمان خود بشمار میرفته و دیوان غزلیات او رایج بوده است.

۱۲۵ - **بابا علی شاه هروی** از مشایخ معروف قرن نهم بود و از زمان شاهرخ تا زمان سلطان حسین در هرات میزیست و خوارق عادات ازو نقل میکردند و کارهای شگفت باو نسبت داده اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۲۶ - **مولانا عبدالصمد مشهدی** از خوشنویسان معروف قرن نهم ساکن

هرات بوده و بیشتر خطوط را نیکو مینوشته و شعر را خوب میسروده است .

۱۲۷ - مولانا شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی برادر مهتر کمال‌الدین

عبدالرزاق مؤلف مطلع‌السعدین بوده و وی نیز از دانشمندان نامی زمان خود بشمار میرفته و از علمای زمان میرزا شاهرخ و سلطان ابوسعید بوده و در ۸۴۴ با شیخ بهاء‌الدین عمر و سعدالدین کاشغری و شمس‌الدین محمداسد و خواجه زین‌الدین جامی و قطب‌الدین ظهیری و تاج‌الدین حسن و سعدالدین فرخ و شهاب‌الدین اسمعیل حصارى که همه از بزرگان علمای خراسان بوده‌اند به حج رفته و سرانجام در رجب ۸۶۹ در هرات در گذشت و او را در مزار شیخ بهاء‌الدین عمر بخاک سپردند . وی نیز از شاعران زبردست زمان خود بوده است .

۱۲۸ - برهان‌الدین عبدالله ختالانی از مشاهیر عرفای قرن نهم بوده و در ۸۹۳

در گذشته و در تصوف مؤلفات چند دارد از آن جمله کشف‌الحجاب و شرحی که با ملامت فخرالدین عراقی نوشته و در ضمن شعر فارسی را نیکو میگفته است .

۱۲۹ - قاضی عبدالوهاب مشهدی از دانشمندان قرن نهم و معاصر با میرزا

ابوالقاسم بابر بوده و در نظم و نثر فارسی مهارت داشته است .

۱۳۰ - مولانا علاء‌شاهی از بزرگان دانشمندان سمرقند در زمان الخ بیک

بوده و گذشته از احاطه‌ای که در علوم متداول زمان خود داشته در شعر و معما نیز استاد بوده است .

۱۳۱ - سید علی واعظ قاینی از واعظان معروف خراسان و دانشمندان زمان

خود بوده و در سال ۸۰۳ که سلطان حسین بایقرا در آغاز پادشاهی خواست در خطبه نام ائمه را بیاورد ویرا که شیعی بود باینکار مأمور کرد ، اما سنیان هرات هجوم کردند و او را از منبر پایین کشیدند و بوی اهانت بسیار کردند . در هر صورت وی از معاریف شاعران زمان خود بوده و قصایدی در نعت ائمه شیعه میسروده است .

۱۳۲ - مولانا سعدالدین بن حاجی عیان متخلص بهیانی نیز از شاعران

معروف زمان خود بوده و غزل را نیکو میسروده است .

۱۳۳- میر اسلام غزالی بلخی از اولاد امام محمد غزالی و از مشاهیر شاعران

قرن نهم بوده و در طب و حکمت دست داشته و در قصیده سرایی ماهر بوده و در زمان امرای هزار اسبی در بلخ میزیسته و پس از آن در گذشته است.

۱۳۴- سید امیر غیاث الدین محمد بن عزیز الدین یوسف سیاهی حسینی

رازی هروی از بزرگان رجال قرن نهم و اصلی وی از مردم شکر آب ری بود و

پدرش در زمان سلطان حسین ازری بهرات رفت. وی در آنجا نشو و نما یافت و نزد بزرگان علمای آن شهر کسب دانش کرد و در دربار سلطان حسین ترقی کرد، تا بجایی که بمقام

صدارت و امارت رسید و مردی دانشمند و خوش طبع بود و در ضمن در طریقه تشیع

تعصب داشت و سرانجام در روز چهارشنبه ۸ رجب ۹۲۷ بدست امیرخان حکمران خراسان کشته شد و در شعر فارسی مهارتی داشت و اسانی ویرا بسیار مدح گفته است.

۱۳۵- مولانا فصیح الدین صاحب دارا استرآبادی از معارف علمای استرآباد

و ولایت کبود جامه بود و در فنون مختلف دست داشت و در فن شطرنج چه حاضر و

چه غایب معروف زمان بود و در نظم قصیده و معما نیز ماهر بود و از همتشینان نزدیک

میر علیشیر و چندی داروغه کتابخانه سلطان حسین بایقرا بود و سرانجام در ۹۱۷ در

استرآباد در گذشت.

۱۳۶- خواجه جلال الدین فضل الله ابو الیثی از اولاد فقیه ابواللیث سمرقندی

دانشمند معروف قرن چهارم مؤلف تمبید الغافلین و بستان العارفین بوده و در ماوراءالنهر

میزیسته و از دانشمندان نامی زمان الخ بیک بشمار میرفته و همواره بدرس و بحث

مشغول بوده و در سمرقند خانقاه داشته و گاهی هم شعر و معما می گفته است.

۱۳۷- سید کاظمی از اعران نامی زمان سلطان حسین بایقرا و مردی لطیف

طبع بوده و شیوه سپاهی داشته و از آغاز پادشاهی سلطان حسین در دربار او بوده و چندی

از جانب او نزد خواجه عماد الدین محمود کاوان معروف بخواجه جهان بگلبرگه

هندوستان بسقارت رفته و در بازگشت ازین سفر از راه دریا در شیراز ازمعنا در گذشته

و وی در قصیده سرایی بسبک سودایی استاد بود

۱۳۸ - **کمال الدین شاه حسین گامی اوبهی** نیز از شاعران نامی دربار

سلطان حسین و از مردم اوبه نزدیک هرات بوده و مولانا محمد بدخشی شاعر معروف آن زمان ویرا از خردی تربیت کرده و در کسب دانش سفری بعراق آمد و دوباره بهرات باز گشت و در پایان زندگی در همان قصبه اوبه از زراعت معاش میکرده و گوشه نشین بوده است و در اقسام شعر و معما دست داشته است .

۱۳۹ - **کمال الدین نصر الله بن خلیل الله ابرقوهی** از شاعران صوفی مشرب

قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه الله ولی بوده و شعر را نیکو میسروده است .

۱۴۰ - **امیر کمال الدین حسین ابیوردی** از سادات خراسان و ادبای نامی زمان

خود بود و در جوانی از ابیورد بهرات رفت و به کسب دانش پرداخت و کیچک میرزا او را بمصاحبت خود برگزید و چون وی بحج رفت با او ترفقت ، اما پس از رفتن آن شاهزاده پشیمان شد و از پی او روان گشت و باو نرسید و از آن پس روابط ایشان قطع شد و از حج که باز گشت در تبریز جزو ملازمان سلطان یعقوب درآمد و چند سال در آذربایجان بود و سپس بخراسان باز گشت و جزو ملازمان میر علیشیر شد و وی بسفارت بدربار سلطان یعقوب فرستادش و در آن سفر بواسطه دروغی که گفته بود از نظر علیشیر افتاد و در پایان سلطنت سلطان حسین با او بیایح رفت و بدیع الزمان میرزا منصب شیخی آستانه شاهی را باو داد و در ۹۰۸ هجری رسیده و در همان سال که بدیع الزمان میرزا در هرات بود از آن شغل استعفا کرد و با بیورد رفت و در آنجا میزیست تا اینکه در ۹۱۴ هجری محمدخان شیبانی او را برسالت بدربار شاه اسمعیل فرستاد و شاه اسمعیل با او مهربانی کرد و در بازگشت ازین سفر باز در ابیورد ساکن شد تا آنکه در آنجا بسال ۹۲۰ در گذشت . وی از شاعران زبردست زمان خود هم بوده است .

۱۴۱ - **امیر کمال الدین حمین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی خواهرزاده**

امیر رفیع الدین حسین و مادرش از سادات نیشابور بود و خود از دانشمندان زمانه بشمار میرفت و در جفر دست داشت و نیز در تصوف دانشمند کامل بشمار میرفت و در زمان سلطان یعقوب در راه کسب دانش از طبسی بعراق و آذربایجان رفت و سلطان یعقوب با وی

مهربانی بسیار کرد و فریبه بیابانک را که صد هزار دینار عایدی داشت بسپور غال باوداد و وی بواسطه مناعت طبع نپذیرفت و بخراسان باز گشت و در حلقه تصوف وارد شد و از مریدان جامی بود و بهرات رفت و سلطانحسین بایقرا تولیت موقوفات مزار عبدالله انصاری را باوداد و در ۹۰۴ منصب صدارت یافت و با اینهمه مردی صوفی مشرب و گوشه نشین بود و طریقه ملامتیه را داشت و مردی خوش طبع و دانشمند بود و مؤلفات چند دارد از آن جمله شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری نوشته و رسایل دیگر در تصوف دارد و کتاب مجالس العشاق نیز از مؤلفات اوست که بخط آنرا بسطانحسین بایقرا نسبت داده اند و در شعر فارسی نیز استاد بوده است .

۱۴۲ - **کمال الدین مسعود شروانی** از دانشمندان نامی زمان واصلش از شروان بود و برای کسب دانش بهرات رفت و سالها در مدرسه گوهر شاد آغا و مدرسه اخلاصیه میرعلیشیر تدریس میکرد و در کلام و منطق و حکمت از دانشمندان زمان خود و از شاگردان جامی بود و هر روز بیش از صد تن در درس او حاضر می شدند و پس از چندی تدریس مدرسه گوهر شاد را ترک کرد و در مدرسه غیاثیه بتدریس پرداخت و او را اعلم علمای خراسان می دانستند و در آن روز که در مدرسه غیاثیه بتدریس آغاز کرد میرعلیشیر نوایی و همه سادات و علمای هرات در درس او حاضر شدند و سرانجام در ۹۰۵ در گذشت و در هزار پیر سیصد ساله او را بخاک سپردند . کمال الدین مسعود را در فنون مختلف مؤلفات بسیار است از آن جمله حاشیه بر شرح طوابع و حاشیه بر شرح مواقف و حاشیه بر شرح حکمة العین و رسایل دیگر و در ضمن شعر فارسی را هم نیکو می سروده است .

۱۴۳ - **شیخ کمال تربتی** از معارف شعرای قرن نهم در خراسان بود و پدرش حافظ نام داشت و طبابت میکرد و وی در تربت و مشهد میزیست و مردی خوش طبع بود و غزلهای حافظ را تخمیس میکرد و سرانجام بزیارت حج رفت و در بازگشت از آن سفر در اواخر قرن نهم در تربت در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً در معما دست داشته است .

۱۴۴ - **سید کمال کجکولی** نیز از شاعران معروف قرن نهم بوده و در بلخ

می زیسته و سفر بسیار کرده بود و معروف بود که پانصد هزار شعر گفته بود و از آن جمله قصیده‌ای بوده است که هزار بیت مصنوع از آن بیرون می‌آمده و صوفی مشرب و از مریدان ابونصر پارسا بوده و در پایان قرن نهم در گذشته و بیش از ۹۰ سال عمر کرده است و او را در جوار میر سرخ در بلخ بخاک سپرده‌اند .

۱۴۵ - **کمال‌الدین محمود رفیقی مشهدی** از شاعران نامی خراسان بوده و مردی خوش طبع و خوشنویس بشمار میرفته است .

۱۴۶ - **مجنون مشهدی** نیز از شاعران نامی این قرن و پسر کمال‌الدین محمود رفیقی بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و مردی درویش مشرب بشمار میرفته و غزل و قصیده را روان میسروده و خوشنویس هم بوده است .

۱۴۷ - **مولانا محمد بدخشی** از شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا و از نزدیکان بابر بوده و سی سال در ملازمت میر علیشیر گذرانده و شاعری زبردست بوده و بیشتر بمعما رغبت داشته و کمال‌الدین شاه حسین کامی او بهی از خردی شاگرد او بوده و چندین رساله در معما تألیف کرده است .

۱۴۸ - **مولانا محمد طالب هروی** نیز از شاعران نامی دربار سلطان حسین بود و سالها ملازم سلطان بدیع‌الزمان میرزا بوده و منصب حدارت او را داشته و چون از خدمت او دست کشید بدستگاه ظهیرالدین محمد بابر رفت و نزد او مقرب بود تا اینکه در ۹۱۸ که در میان وی و عبیدالله خان در ماوراءالنهر جنگ در گرفت در آن جنگ کشته شد . وی رساله‌ای در معما نوشته و از اقسام شعر بمعما بیشتر مایل بوده است .

۱۴۹ - **مولا شمس‌الدین محمد بخاری معروف بمولانا محمد معمای** هم از شاعران معروف این زمان و مردی خوش طبع و شوخ و پیرو طریقه سنت بوده و بزرگان زمان او را محترم میداشته‌اند و در زمان ابوالقاسم بابر صدر معظم شد و سپس در مجلس پادشاهان دیگر از آن جمله میرزا ابوسعید هم جای داشت و در زمان اعتبار در شیراز بر سر خاک حافظ گتبدی ساخت و بابر میرزا را در آنجا ضیافت کرد و با میر علیشیر نوایی هم رفت و آمد داشته و سرانجام با سلطان محمد میرزا معروف

بکیجیک میرزاخواهرزاده سلطانحسین بحج رفت و در بازگشت ازین سفر در گذشت .  
وی نیز بیشتر بمعما مایل بوده است .

۱۵۰ - میر مرتاض هروی از بزرگان سادات و علمای هرات بود و از خریدی  
بکسب دانش پرداخته و در بیشتر علوم دست داشت و روز و شب بمطالعه میپرداخت  
و عبادت و ریاضت میکرد و بهمین جهت بمیر مرتاض معروف شده بود ، اما در بحث  
لجوج بود و در شطرنج نیز اصرار بسیار داشت و بهمین جهت مردم از بحث و شطرنج بازی  
با او گریزان بودند و خوشنویس هم بود و در حکمت و ریاضی کاملا استیلا داشت  
و در زمان شاه سلطان حسین مدرس مدرسه اخلاصیه هرات بود و در زمان استیلای  
محمدخان شیبانی در مدرسه سلطانی مدرس شد و بار دوم که شاه اسمعیل بهرات رفت  
بواسطه تعصبی که در تسنن داشت بقنדרهار گریخت و همانجا در گذشت . وی در شعر  
نیز مسلط بوده

۱۵۱ - منصور تیرگر هروی نیز از شاعران معروف هرات بوده اما تنگدست  
و نامراد زیسته و روزگار را بکسب میگذرانده و از اقسام شعر برباعی بیشتر مایل  
بوده است .

۱۵۲ - خواجه منصور بتکچی نیز از شاعران نامی هرات و اصلا از طایفه  
بتکچی گرگان بوده است و مدت مدیدی در دربار سلطانحسین بایقرا مأمور برسیدن  
مهم دادخواهان بوده است که از مناصب مهم آن زمان بوده و در ضمن غزل را خوب  
میسروده است .

۱۵۳ - خواجه منصور مشهدی از شاعران همین زمان بوده و مدتی در  
خدمت امیر خدای داد بسر برده است و سرانجام او را مصادره کرده و بپند افکنده اند  
و در همان حال در گذشته است و وی غزل را نیکو میسروده است .

۱۵۴ - درویش منصور سبزواری از شاعران نامی هرات و مردی پرهیزگار  
بشمار می رفته و ریاضت میکشیده و روزه بسیار میگرفته و در تصوف از اصحاب حافظ  
علی جامی و سنی مذهب بوده است و در عروض و صنایع شعری دست داشته و درین فن



شاگرد مولانا یحیی سبک فتاحی نیشابوری بوده و میرعلیشیر عروض را از وی یاد گرفته است و در علم عروض دو رساله تألیف کرده و قصیدهٔ مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شاعری توانا بوده است.

۱۵۵ - **خواجه مؤید دیوانه** از متصوفهٔ قرن نهم و از بازماندگان ابو سعید

ابوالخیر عارف مشهور بود ولی مردی پریشان فکر بود و دعوی پادشاهی داشت و خراسان را در میان مریدان خود تقسیم کرده بود و بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود و در زمانی که در میان سلطان حسین بایقرا و سلطان ابو سعید میرزا اختلاف افتاد شعری بحمايت ابو سعید گفته بود که بسلطان حسین برخورد و دستور داد در ۸۶۸ او را نهانی کشتند و وی در شعر فارسی استاد بوده است.

۱۵۶ - **مولانا نرگسی ابهری** از شاعران نامی قرن نهم و از مردم ابهر بوده

و در جوانی بسرو رفته است بهمین جهت بمروزی هم معروف شده است و وی از شیخزادگان ابهر بوده و پدرانش در آنجا بسیار محترم بوده اند. در جوانی شرارتی داشته اما بزودی وارسته و شکسته شده چنانکه بیشتر مشغول نماز و روزه بوده است و پس از برچیده شدن سلطنت تیموریان باخواجه حبیب الله ساوجی هروی وزیر خراسان مربوط شده و از معاریف غزل سرایان زمان خود بوده است.

۱۵۷ - **مولانا آیتی هروی** نیز از شاعران نامی این زمان بوده و در هرات

میزیسته و نخست تر کسی تخلص میکرده و سپس تخلص خود را آیتی گذاشته است و معاصرینش باو نسبت داده اند که هر جا مضمون باریکی در شعر دیگران می یافتند فوراً آنرا نظم میکرده و در هر صورت وی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان غزلیات او در دستت و بزبان ترکی هم شعر میگفته است.

۱۵۸ - **ابو سعید نسیمی حسینی شیرازی** یکی از معروفترین شاعران اوایل

قرن نهم و از سادات بسیار محترم و از متصوفهٔ فارس بود و در شیراز میزیست و در عقاید خویش بسیار بی پروا بود و گویند کلمات خلاف ظاهر میگفت تا اینکه متشرعین شهر بکشتن او فتوی دادند و در سال ۸۳۷ ویرا بدار کشیدند و سپس از دار فرود آوردند

و پوست کنندند و این واقعه بسیار معروفست و در ادبیات ایران عنوان مفصل دارد. نسیمی از شاعران نامی زمان خود بوده و بسیاری از شاعران زمانه شاگرد او بوده یا بسبب او رفته‌اند و خود غزلی عارفانه را بسیار خوب میسروده و در زبان ترکی نیز شاعر توانایی بوده و دیوان او شامل دوهزار بیت معروفست.

۱۵۹- نظام بن رضی نقاش از شاعران هنرمند زمان خود بوده و خوشنویس و شاعر و منشی و مذهب و نقاش و صحافزبردستی بوده و مخصوصاً در نظم و نثر توانا بوده است و اثری که از او باقیست نسخه‌ای از تاج المآثر حسن نظامی در تاریخ هندوستانست که بخط خود برای غیاث الدین عزت نام از وزیر زادگان قرن نهم نوشته و روز دوشنبه سیزدهم رجب ۸۲۸، بیابان رسانده و در خاتمه آن رسالتی متشیانه نوشته و اشعار خود را آورده و تصریح کرده است که خط و انشاء و تذهیب همه از دست اوست و در آغاز آن نسخه دو مجلس نقاشی خوب هم ساخته است.

۱۶۰- حاج نورالدین محمد کازرونی صوفی متخلص بنوری از شاعران صوفی مشرب و پرکار زمان خود بوده و آثار بسیار از او مانده است از آن جمله مجموعه رباعیات و منظومهای بنام مولود نامه در سیرت رسول و غزوات و مراحل عمری که تقریباً سی هزار بیتست و آنرا در نیمه شب لیلة البرات ماه شعبان سال ۸۸۷ بیابان رسانده است و مثنوی دیگر در شرح معجزات رسول از روایت ابن مسعود شامل نزدیک ۱۵۰۰ بیت و مثنوی دیگر در فضیلت صلوات شامل نزدیک دو هزار بیت و منظومه دیگر در مولود رسول که در ۸۸۵ بنام سلطان یعقوب بیابان رسانده است.

۱۶۱- خواجه یوسف برهان حاجی از بازماندگان شیخ الاسلام احمد جام و از عرفای معروف قرن نهم بوده و در شعر و موسیقی دست داشته و برای اشعار خود آهنگ‌های موسیقی میساخته است و بیشتر از استادان زمان در موسیقی شاگرد او بوده‌اند و از آن جمله میر عایشیر نوایی هم موسیقی را از او فرا گرفته است و در جام می زیسته و همانجا در گذشته و در جوار جنبش احمد جام او را بخاک سپرده‌اند و از جمله آثار او ترسیمت که شامل منشآت نوبسندگان پیش از او بوده است.

۱۶۲ - مولانا شهیدی قه‌می از شاعران نامی او آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و در

جوانی مردی آشفته روزگار بود و دوبار از عراق بخراسان رفته و چندی در هرات مانده و بخدمت جامی رسیده است و حکیم شاه محمد قزوینی با او بسیار معاشر بوده و در سفری که از قزوین می‌گذشته یکسال در آنجا مانده و پادشاه کیلان سلطان میرزا اعلی هم در آن سال در قزوین بوده است و بسیار زرقند بشهیدی میداد و شهیدی بواسطه مناعت طبیعی که داشت آن زرها را در کیسه نمیکذاشت و در گوشه‌خانه میریخت و هر کس از اصحاب او که احتیاج داشت از آن بر میگرفت و خرج میکرد و پس از آن مدتی در آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بوده و سمت ملک الشعرا بی دربار او داشته است و پس از مرگ او به هندوستان رفته و در گجرات میزیسته و در دربار اسمعیل عادلشاه محترم بوده و نزدیک صد سال عمر کرده است و سرانجام در ۹۳۵ یا ۹۳۶ در گذشته و او را در سرکنج گجرات بنحاک سپرده‌اند. شهیدی از غزل‌سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان او رایجست.

۱۶۳ - گلخنی قه‌می یا تفرشی خواهرزاده شهیدی و از مردم تفرش بوده منتهی

در قم میزیسته و مردی زنده و هزال بوده چنانکه گویند روزی سلطان حسین بایقرا در بیماری بر تخت روان نشسته بود و میگذشت و در راه گلخنی را دید و حالش را پرسید گفت: «بحمدالله با دو پای روان سر می‌کنم». در زمانی که سلطان حسین میرزا درمستی محمد مؤمن میرزا را کشت و همه مردم هرات را ازینکاربرد آمد و وی قطعه‌ای در هجو سلطان حسین گفت و چون از خشم او بیم داشت از هرات گریخت و سرانجام در سال ۹۰۰ در جنگ‌هایی که در میان تیموریان و ازبکان در گرفته بود کشته شد. وی نیز از غزل‌سرایان زبردست زمان خود بوده و از شاعران نامی قرن نهم بشمار میرفته است.

۱۶۴ - محمود بن پیرگرد بن امیر شروانی ظاهراً از شاعران قلمرو آل

عثمان بوده و منظومه‌ای در مواعظ بنام کیمیاء القلوب سروده که در غرة ربیع الاول ۸۹۲ بمایان رسیده است.

۱۶۵ - لطیف شاعر مؤلف منظومه‌ای در امور دینی و اصول شعرو عروض بنام

لطایف فی الاصولین که برای ارشاد پسرش سروده است .

۱۶۶- کاشفی از شاعران مقیم خاک عثمانی که منظومه‌های بنام غزائمه روم در تاریخ جنگ سلطان مراد دوم ( ۸۲۴- ۸۵۵ ) با دول اروپا یعنی جنگ معروف وارنه در ۸۴۸ بفرمان ابوالفضل احمد بن ولی الدین پاشا سروده است .

۱۶۷- مولانا زمان آملی پسر مولانا محمد آملی بود که او نیز از شاعران قرن نهم بشمار میرفت و وی نخست وفایی تخلص میکرد و چون شاعر دیگر امیر احمد جامی وفایی در آن زمان بود و وی نیز سلطان بدیع الزمان میرزا بستگی داشت او را و داشتند تخلص خود را تغییر بدهد . وی از مشاهیر غزل سرایان زمان خود بود .

۱۶۸- میر علی حسینی هروی خطاط از خوشنویسان معروف اوایل قرن نهم و اوایل قرن دهم بود و در هرات میزیست و در ۹۳۵ که عبیدالله خان از بک هرات را گرفت او را ببخارا فرستاد و وی در همانجا بود تا در گذشت . رحلت او را باختلاف در ۹۲۵ و ۹۴۰ ضبط کرده‌اند و ظاهراً تاریخ دوم درستست و در شعر استاد بوده است .

۱۶۹- کمال الدین بهزاد هروی نقاش معروف که از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه اسمعیل مشغول کار بوده و چه در زمان خویش و چه پس از آن در فن خود اولین کس بوده است . مدتها در هرات در کتابخانه سلطان حسین بایقرا کار میکرد و پس از بر چیده شدن سلطنت تیموریان شاه اسمعیل در ۹۲۸ او را نزد خود برده و ریاست کتابخانه خود را باو داده است و او در خط و شعر نیز دست داشته است .

۱۷۰- ملا محمد ادایی شیرازی که نام او را بهاء الدین علی هم ضبط کرده‌اند ، وی از شاعران نامی قرن نهم بوده و سفر بسیار کرده و با دانشمندان زمان خود معاشرت بسیار و حافظه‌ساز داشته است و خوشنویس معروف زمان خود بود و نسخه‌های بسیار از شاهنامه و خمسه نظامی و خمسه امیر خسرو و دیوان کمال الدین اسمعیل و غیره نوشته بود و سرانجام بخاک ترکیه رفت و در استانبول ساکن شد و در دربار سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان محترم بود و از مداحان سلطان مصطفی پسر سلیمان و محمد صفلی پاشا وزیر اعظم بشمار میرفت و سر انجام در طاعون سال ۹۲۸ در استانبول در

گذشت. ادایی شاعر پرکاری بوده و در اقسام مختلف شعر مخصوصاً غزل و مثنوی دست داشته و دیوان وی رایجست و از جمله آثار او منظومه سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) است که بیحرمتقارب سروده است.

۱۷۱ - محمد بن ولی بن رضی الدین معروف بکاتب افقروی نیز از شاعران

خاک عثمانی بوده و منظومه‌ای بنام کاتبیه در لغت سروده است که در ۸۵۱ در مغنیسا باشاره سلطان محمد بن مراد آل عثمان در پانصد بیت پایان رسانده است.

۱۷۲ - مولانا آهی مشهدی از غزل سرایان معروف قرن نهم بوده و در اواخر

دوره سلطان حسین بایقرا در هرات میزیسته و خمسه‌ای سروده است.

۱۷۳ - عیسی شیرازی در زمان خود معروف بکل عیسی بوده زیرا که کچل

بوده است و از شاعران معروف شیراز و مردی خوش طبع و شیرین سخن بوده و بیشتر

مردم را هجو می‌گفته است و اهاجی او معروف بوده و در مثنوی نیز دست داشته است و

مثنوی عشرت نامه را بنام سلطان خلیل تیموری (۸۰۷-۸۱۲) سروده است.

۱۷۴ - مولانا ریاضی تربتی از مردم زاوه و مهولات و از شاعران نامی زمان

خود بوده است و مردی متلون المزاج بود و مدتی در مولد خود منصب قضا داشته و پس

از چندی او را معزول و مصادره کرده‌اند و از آن پس دیگر کاری باونسپرده‌اند و در ۸۸۴

در گذشته است و بجز دیوان غزلیاتی که از او مانده تاریخ کوچکی بنام «انتخاب

تواریخ» تا وقایع سال ۸۱۳ نوشته است. وی در ضمن واعظ هم بوده و گاهی بر سر منبر

اشعار خود را می‌خوانده است.

۱۷۵ - مولانا ریاضی سمرقندی از شاعران نامی ماوراءالنهر بود و گویند بد

خوی و خود فروش بوده است و در جوانی در آغاز قرن نهم در سمرقند در گذشته است.

۱۷۶ - شیخ عبدالله شهبازی از فرزندان شیخ محمود شبستری عارف مشهور

قرن هشتم و صاحب گلشن راز بود و وی از دانشمندان زمان خود بشمار میرفت و مخصوصاً

در ریاضی دست داشت و ساکن ماوراءالنهر بود ولی در ۹۲۶ بخاک عثمانی رفت و سلطان

سلیم وی را اعزاز بسیار کرد و هر روز سی آغچه باو میداد و هر دو یا سه ماه پنج هزار

آقچه برای او میفرستاد و درین سفر مثنوی شمع و پروانه را بنام آن پادشاه سرود و نیز رساله‌ای در معما نوشت که از همه مثالهای آن نام آن پادشاه بیرون می‌آید.

۱۷۷ - مولانا شمس الدین برده‌عی متخلص بجمدی و معروف بملازاده و

برده‌عی زاده از بزرگان شعرای فارسی زبان خاك عثمانی و از فرزندان مولانا محمد برده‌عی مؤلف حاشیه بر ایسا غوجی بوده و وی نیز در علوم متداول زمان دست داشته و حواشی چند بر تفسیر بیضاوی و شرح هدایه و آداب البحت مسعودی نوشته و در ۹۲۷ از خراسان بخاك عثمانی رفته و سلطان سلیم وی را گرامی شمرد و استادی غلامان خاص خود را باو داد و وی در شعر فارسی استاد بود و سلطان سلیم در مقابل قصیده مصنوع او سیصد اشرفی و یک پوستین سمور و هشتاد آقچه عثمانی علوفه هر روزه باو داده است.

۱۷۸ - مولانا فرخی نیز از شاعران نامی خاك عثمانی و مقیم استانبول بوده و از سادات دانشمند بشمار میرفته است و در اقسام شعر مخصوصاً قصیده مهارت بسیار داشته و از مداحان سلطان سلیم بوده است.

۱۷۹ - سید محمد بن عبدالباقی معروف بهیرزا مخدوم از اولاد میر سید

شریف کرگانی که از سادات محترم زهراخان خود بود، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای کسب دانش بهرات رفت و سپس جزو مریدان شاه قاسم انوار درآمد و ریاضت بسیار کشید و از مشاهیر صوفیه زمان خود شد و تا اوایل قرن دهم نیز میزیست و وی در غزل عارفانه استاد بوده است.

۱۸۰ - امیر پازواری از سخن سرایان مازندران بوده که جزئیات احوال و

عصر زندگی او درست معلوم نیست و بیشتر احتمال می رود که در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته باشد و مجموعه‌ای از اشعار وی بزبان ظهیری یا مازندرانی در دست است.

۱۸۱ - بی نشان تخلص زنیست که از جزئیات احوال وی چیزی بدست نیست

و تنها نسخه‌ای از دیوان غزلیات او شامل هزار و پانصد بیت مانده است که در آن بی نشان تخلص کرده و چنان می نماید که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته و ظاهراً از دره فارس بوده است.

۱۸۲ - حکیم یا حکیمی ترمذی از اصحاب شاه نعمت‌الله ولی بوده و با وی مکاتبه داشته و شاه ولی رساله‌ای خطاب با او نوشته و نسخه‌ای از اشعار وی بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی باقیست که در ظهر پنجشنبه غره محرم ۸۳۶ بیابان رسانیده است.

۱۸۳ - اردشیر بن حسن معاذی تبریزی از اولاد معاذ بن جبل بوده و بهمین جهت معاذی تخلص می کرده و در اواخر هشتم و اوایل قرن نهم زیسته و مداح شروانشاهان امیر هوشنگ بن کاوس بن کیقباد (۷۷۴-۷۸۴) و امیر شیخ ابراهیم بن سلطان محمد ابن کیقباد (۷۸۰-۸۲۰) بوده و چهل سال مداحی این خاندان را کرده و در آذربایجان و اران و گیلان می زیسته است و سپس مداح امیر میرانشاه بن تیمور شده و نیز ستایشگر حکمرانان لاهیجان و گیلان امیر سید رضی‌الدین و امیر سید رضا کیا متوفی در ۸۲۹ یا ۸۳۰ بوده است. در جوانی معاصر کمال خجندی و سلمان ساوجی و حاج محمدنصار تبریزی و بدیع تبریزی بوده و پیروی از سبک سلمان ساوجی می کرده است و دیوان وی شامل پنج هزار بیت قصاید و غزلیات مانده است.

۱۸۴ - اسیری نیز ظاهراً از سرایندگان قرن نهم بوده و شرحی بر گلشن راز ترتیب داده بدین گونه که پس از چند بیت از اشعار محمود شبستری اشعار دیگری از بزرگان شعرای صوفیه در همان زمینه و برای توضیح مطالب گلشن راز آورده و در پایان کتاب قطعه‌ای سروده که در آن اسیری تخلص کرده است.

۱۸۵ - کمال‌الدین جعفر خطاط تبریزی از خوشنویسان نای قرن نهم و رئیس کتابخانه بایسنغر بوده و برای وی کتابت می کرده است و در همه خطوط زبردست بوده و خط نسخ تعلیق را بهتر از همه معاصران خود می نوشته است و مولانا شهاب‌الدین عبدالله آشپز و مولانا شیخ محمود خوشنویسان معروف آن زمان شاگرد او بوده‌اند و در ضمن شاعر توانایی بوده و قصیده را خوب می گفته و جعفر تخلص می کرده است.

۱۸۶ - مولانا زاهدی نیز از خوشنویسان کتابخانه بایسنغر و از شاعران آن آن دوره بوده است.

۱۸۷ - مولانا جلال کرمانی هم از خوشنویسان همان کتابخانه بوده و شعر را

نیکو می سروده است .

۱۸۸ - امیر جلال الدین یوسف متخلص باهیری نیز از خوشنویسان دستگاه

بایسنغر و از شاعران توانای این دوره بوده است .

۱۸۹ - مولانا لطفی نیز از خطاطان همان کتابخانه و شاعر توانایی بشمار

می رفته است .

۱۹۰ - مولانا ولی هم از خوشنویسان دستگاه بایسنغر و از شاعران این دوره

بوده است .

۱۹۱ - مولانا واحدی نیز از خوشنویسان و شاعران همان کتابخانه بوده است .

۱۹۲ - مولانا منشی هم در سلك خوشنویسان و شاعران دستگاه بایسنغر می

زیسته است .

۱۹۳ - مولانا زین الدین هم خوشنویس و شاعر کتابخانه بایسنغر بوده است .

۱۹۴ - مولانا محمد جرعه نیز شاعر و خوشنویس همان دستگاه بشمار می رفته است .



بجزین ۱۹۴ تن شاعر نامی قرن نهم که ذکرشان گذشت عدد کثیر شاعران دیگر

هم درین قرن زیسته اند و فهرست اسامی آنها بدین قرار است : آتشی شیرازی ، آرزویی ،

آفاق بیک جلابر ، آفتی مشهدی ، برهان الدین ابراهیم بن جلال الدین احمد بن

محمد مدنی خجندی متوفی در ۸۵۱ ، ابراهیم سلماسی ، ابراهیم سیستانی ، سلطانی

ابراهیم صدر ، ابراهیم قانونی ، شمس الدین معروف بابن حسام متوفی در ۸۷۵ ، ابن

عماد شیرازی متوفی در ۸۳۸ ، ابن لعلی شاه بدخشان ، ابواسحق مهنوی ، ابوالبرکات

نراقی متوفی در ۹۱۳ ، ابوالبرکات سمرقندی ، میرزا ابوالبقا پسر سلطان حسین ، حاج

ابوالحسن ترک ، ابوالخیر سمرقندی ، ابوالقاسم خوافی ، ابوالقاسم مهنوی ، ابوالمعالی

خوافی ، ابوالنصر مهنوی ، شیخ ابوالواجد میرزا ابوبکر بن جوکی شاه مقتول در ۸۵۲ ،

میرزا ابوبکر بن سلطان ابوسعید متوفی در ۸۸۵ ، ابوسعید مهنوی ، ابوطالب

بدخشانی ، ابوطاهر مهنوی ، انایی بلخی ، قطب الدین احمد جامی ، احمد



حاجی بیك كاشغری ، احمد سراج سبزواری ، نظام الدین احمد شیرین کار ،  
 رشیدالدین احمد کازرونی ، سید احمد میرزا ، حافظ احمد هروی ، میر اختیارالدین  
 متوفی در ۸۹۷ ، ادایی بخاری ، ارشد شیرازی ، ارشد کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، میرارغون  
 هروی ، میر اسدالله ، اسمعیل شام غازانی ، اسمی هروی ، اسیری هروی ، میرزا اصغر  
 مشهدی ، اصیلی مشهدی ، سراج الدین اصیلی هروی ، ظاهر خطاط ، افسری هروی ،  
 امیر افضل ، الغ بیك میرزا ، الهی ، امان الله قهستانی ، امانی شیرازی ، امیر جان انسی  
 متوفی در ۹۲۳ ، امیری ، صدرالدین امینی متوفی در ۹۱۸ ، امینی هروی ، انصافی ،  
 انوری بخاری ، انوری بلخی ، انیسی خوارزمی ، انیسی کاتب ، انیس هروی ، ایبازی  
 هروی ، خواجه ایوب سمرقندی ، باباجان هروی ، باطنی بلخی ، بدر ، بدرالدین شیرازی ،  
 برهان الدین هروی ، برهان جامی ، بز می خراسانی ، بسمچی هروی ، بصیری عجمی ، بقایی  
 خوارزمی ، بقایی سمرقندی ، بقایی هروی ، بالایی بخاری ، بنایی هروی ، بوعلی هروی ،  
 مولانا بهاء ، خواجه بهاء الدین ، بهشتی حصاری ، بهشتی هروی ، بیاضی استرآبادی ،  
 بیاضی حصاری ، بیخودی سمرقندی ، بیدای لنگک ، بیك قلی ، یرقوی شیرازی متوفی  
 در ۹۲۸ ، پناهی خراسانی ، پهلوان کاتب ، پیامی مروزی ، پیامی هروی ، پیر بداق بن  
 جهانشاه متوفی در ۸۲۲ ، پیر خموش ، تابعی هروی ، ترخانی اندخودی ، تسلیمی هروی ،  
 جادویی بلخی ، جانی جوزجانی ، جدیدی ، جر می بخاری ، بابا جزوی عراقی متوفی  
 در ۹۲۵ ، جعفر تبریزی ، جلال الدین مشهدی ، جلال الدین هروی ، جمالی ، جمشید معمای ،  
 جمشید منجم هروی ، جنتی خراسانی ، جوهری سمرقندی ، چاکری هروی ، حاجی سعیدی ،  
 مولانا حاجی مشهدی ، مولانا حاجی هروی ، حافظ حكاك کرمانی ، حافظ میر سینانی ،  
 حافظی کرمانی ، حاکمی خوافی ، مولانا حبیب ، میر حبیب الله ، حبیب الله قیزی ، حبیب  
 کاتب ، حریری ، حریمی سمرقندی ، حزینی استرآبادی ، حسن قاری ، حسابی جنابندی ،  
 حسامی قهستانی ، امیر حسن استرآبادی ، حسن طهسی ، حسنعلی جلابر ، حسنعلی  
 هروی ، کمال الدین حسین ، حسین اردستانی ، امیر حسین اردشیر ، میرزا شاه حسین  
 اصفهانی متوفی در ۹۲۹ ، حسین باوردی ، حسین کیرنگی ، حسین معمای ، میرک

حسین هروی ، حقیری هروی ، حقیری همدانی ، جهانشاه حقیقی ، سید حکیمی سمرقندی ، حلوائی سمرقندی ، حمدی ، حمید الدین تبادکانی ، حمید گل ، حمید هروی ، حیدر تونیانی ، میر حیدر مجذوب ، حیرانی ، حیرتی تونس ، حیرتی سمرقندی ، خاتمی هروی کوسوی ، خاصی هروی ، خاککی ، خالدی هروی ، خاوری سمرقندی ، سلطان حسین ختمی ، خرمنی هروی ، خزان سمرقندی ، امیر خسرو ، خواجه خسرو سمرقندی ، خسروی هروی متوفی در ۸۷۹ ، خصالی هروی ، خضر شاه استرآبادی ، خضری ، خلف تبریزی ، خلغی بخاری ، خلغی هروی ، خلوتی ، خلیلی صاحب تحفة العشاق که در غرة جمادی الاولی ۸۸۰ با تمام رسیده است ، سید خنجر جیجکتو ، ملاخواجه خیابانی ، خواجه خواند ابواللیثی ، خواجه کلان هروی ، داعی استرآبادی ، داعی سرخسی ، درویش بیک ، درویش روغنگر ، درویش سرخسی ، مولانا درویش مشهدی ، امیر قاسم دلداری ، دوایی دوست اسفزاری ، دوست حسین ، میر دوست طارمی جغتایی ، مولانا دوست هروی ، درانشاه ، حسین دیوانه ، دیوانه بلخی ، دیوانه نیشابوری ، شیخ عبدالله دیوانه هروی ، ذاتی هروی ، ذهنی کابلی ، رازی بغدادی ، رحیمی ، یاز محمد رخنه ، امیر رستم علی رشدی کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، رشید کازرونی ، رضایی سبزواری متوفی در ۸۵۶ ، رفقی ، میر علی دوست رفیقی هروی ، روحانی ، زوی بخاری ، روحی یازری ، رهایی ماوراءالنهری ، ریاضی زاوی ، ریاضی سمرقندی متوفی در ۸۸۴ ، رئیس شاختی ، زاری هروی ، زاهدی ، زکریا کججی ، زلالی هروی ، زمانی آملی ، زیبایی هروی ، زیرکی هروی ، زین الدین صادق ، زین الدین صاعد ، زین الدین علی ، زین الدین کلاهشیرازی متوفی در ۸۷۲ ، زین کیسه دوز ، زینی سبزواری ، ساغری هروی ، ساقی نخشبی ، ساقی هروی ، ساکنی سمرقندی ، سالمی عراقی ، سامانی بخاری ، سامی دامغانی ، سایللی اسفراینی ، سایللی خراسانی ، سایللی عراقی ، سایللی قرشی ، میر بیغمورچی سپاهی ، سپهری هندوستانی ، سدید طبیب قزوینی ، سدید طبیب گیلانی ، سروری بیرجندی ، سروری خراسانی ، سری ترشیزی ، سری هروی ، حافظ سعد ، مولانا سعد ، سعدالله ، حافظ سعد گل متوفی در ۸۶۸ ، سعدی اردبیلی ، سعدی مشهدی ، نور سعید بیک خوارزمی ، سعید کابلی ، میر سعید